

بسمه تعالی



## موسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س)

مشاورت فرهنگی و مدیریت پایگاه اطلاع رسانی صابره

www.sabereh.ir

# گزارشات درج شده در سایت صابره

شماره ۲

فروردین ۹۳

مربوط به جلسات ۱۲ تا ۲۰ دوره آموزشی نظام شناسی

نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش و اگر چنانچه بانکداری به آن معنایی که بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی در جاهای دیگر هست رواج پیدا بکند، آن را تحلیل کنید و برای رویارویی با آن، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها بازمانند، می‌نشینند توی خانه‌شان و تمام ظرفیتهای خودتان را به کار گیرید و در پولشان برایشان کار می‌کند و حال آنکه این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان پول نباید کار بکند. پس اصلاح بانک هم داشته باشید.

یکی از امور بسیار مهم است...  
صحیفه امام، ج ۱۸، ص: ۴۳۴

۹۲/۱۱/۲۳



Sabereh.ir

**صابره:** گزارش کامل جلسه ۱۲ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: دشمن از طریق نظام‌های خود قصد دارد تا «دفعتمک عن مقامکم» اتفاق بیفتد / مفهوم حجاب در اسلام: حفظ حریم و استحکام خانواده، کرامت زن، پاکدامنی و ایمان است اما مفهوم آن در نظام غربی: محدودیت، اجبار، افسردگی، انزواطلبی و ضد آزادی است / غرب با ارتش «نظام تکثرگرایی» به جنگ با ولایت می‌پردازد / مفهوم علم در اسلام: نور و بصیرت و بازگردن افق‌های معرفت است اما مفهوم آن در نظام غربی: کسب مدرک، کسب ثروت، تفاخر و تکاثر و احساس نیاز به غرب است

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه دوازدهم دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۱۹ دی ۹۲ از ساعت ۱۰ صبح تا اذان ظهر در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. ان‌شاءالله جلسه بعدی در ۳ بهمن ۹۲ برگزار خواهد شد.

اهم مطالب مطرح شده در این جلسه که توسط استاد زاهدی، مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره(س) و پیشکشوت تعلیم و تربیت اسلامی ارائه شده است، به صورت خلاصه ذکر می‌گردد:

**\* اساس ظلم از چه دورانی شروع شد؟**

نظامات غربی از هر طرف به نظام جمهوری اسلامی حمله کرده و علمدار انقلاب صبورانه و حکیمانه با این نظامات می‌جنگد. جنگ فرهنگی برای افراد کم فهم و دیر فهم مشهود نیست. کسی نمی‌تواند بفهمد سردار و علمداری که می‌جنگد و سردارانی که در این عرصه مبارزه می‌کنند چگونه حیثیت و آبرویشان غرق خون است.

سوگ‌مندانه باید بگوییم با توجه به فرازهای زیارت عاشورا، مرحله «و لعن الله امت اسست اساس الظلم و الجور» را گذرانده‌ایم، اما هنوز خوابیم. در حال حاضر اساس ظلم پی‌ریزی شده است و تا جایی پیش رفته است که ۱۸ سال پیش در دوران اصلاحات رهبر معظم انقلاب در مصلی تهران فرمودند برخی قصد دارند در ایران صلح امام حسن (ع) راه بیندازند و در جای دیگر فرمودند که دشمن در داخل پایگاه زده است. (در مطبوعات و ...).

اساس ظلم از جایی شروع شد که عدالت‌خواهی و طرفداری از مظلومیت تندروری نامیده شد. اساس ظلم از جایی شروع شد که کاخ سعدآباد و کاخ نیاوران افتتاح شد. اساس ظلم از جایی شروع شد که ارتباطات خانوادگی با پادشاهان عربستان سعودی برقرار شد. حضرت امام(ره) فرمود من یک موی این کوخ‌نشینان را به همه این کاخ‌نشینان نمی‌دهم. کاخ‌نشینانی را دوباره آغاز کردند و دلیلشان هم این بود برای حفظ آبروی جمهوری اسلامی است. اساس ظلم از دوران کارگزاران شروع شد...

هدف اصلی دشمن تغییر باور مردم است و تمام نیروی خود را بر روی مردم متمرکز کرده‌اند. ارتش فرهنگی غرب از طریق نظامات به وسیله خودفروخته‌های داخلی در حال فعالیت است.

مرحله «اسست اساس الظلم» تمام شد. دیگر بی‌حجابی نهادینه شد. رشوه، ربا و... نهادینه شد. اساس ظلم و جور غیر از خود ظلم و جور است. مثل مهندسی است که نقشه بنا و ساختمان را می‌کشد. اساس بنا را او طراحی می‌کند اما چیزی از مصالح در دستش نیست. اصل مهندس است هرچه او بکشد و طراحی کند کارگران و مجریان آن را اجرا می‌کنند.

کسی که معنای آزادی را عوض می‌کند اساس ظلم است. کسی که عدالت اجتماعی را طرح می‌کند اما بزرگترین بی‌عدالتی‌ها را نهادینه می‌کند و مدیریت‌ها را با حقوق‌های میلیاردی سوار بر گرده مردم می‌کند اساس ظلم است. کسی که خاندان سلطنتی را درست می‌کند اساس ظلم را درست می‌کند. کسی که کاخ‌نشینانی را شروع کرد اساس ظلم است. ترویج باور عیسی به دین خود و موسی به دین خود اساس ظلم بود. کسی که به نام بخش خصوصی تمام اموال دولتی را حراج کرد، اساس ظلم بود.

**\* دشمن از طریق نظام‌های خود قصد دارد فهم مردم را از فهم اسلام ناب جدا کند تا «دفعتمک عن مقامکم» اتفاق بیفتد**

اکنون به مقام «و لعن الله امت دفعتمک عن مقامکم و ازلتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها» رسیده‌ایم. در حال حاضر شبکه ظلم، مطبوعات و رسانه دارد. شبکه‌های عظیم دارند. وقتی فهم مردم را از فهم ولایت فقیه و از فهم عمیق اسلام جدا کنند آنگاه خود مردم منتقد حرف‌های رهبر خواهند شد. با نظام‌هایشان «دفعتمک عن مقامکم» می‌کنند. وقتی «دفعتمک عن مقامکم» اتفاق بیافتد دیگر نیازی به «قتلتکم» نیست. آنگاه مرگ برای اهل عبادت شادکننده است. نباید برای «قتلتکم» غصه خورد. بلکه «دفعتمک» دردناک است و مرحله آخر است. وقتی ولایت فقیه از مقام مقدسش سقوط کرد و فقط در حد یک رهبر معظم انقلاب و مقام معظم رهبری محدود شد و دیگر در نظر مردم نماینده اسلام و معصوم نبود، «دفعتمک عن مقامکم» به سادگی اتفاق خواهد افتاد. در زمان حضرت مولا(ع) «اسست اساس الظلم» اتفاق افتاد و در زمان امام‌حسن (ع) «دفعتمک عن مقامکم» بود. مردم در دوران امام حسن (ع) گفتند: امام چه می‌خواهد؟ معاویه نامه نوشته که هرچه فرزند رسول الله

(ص) بگویند من موافقم؛ پس امام به دنبال چیست؟ هرچه امام حسن (ع) به مردم هشدار داد که معاویه صلح‌نامه را زیر پا می‌گذارد و شما را بیچاره می‌کند، کدام را انتخاب می‌کنید، اینکه با معاویه بجنگیم یا صلح‌نامه را امضا کنیم؟ همه مردم گفتند: «البقیه البقیه» یعنی ما خواهان دومی هستیم. معاویه به ما وعده بسیار داده، وعده آزادی و ارزانی داده، هر که هر کار می‌خواهد بکند، عیسی به دین خود موسی به دین خود. آنجا که مردم معاویه را انتخاب کردند، نتیجه‌اش تیرباران پیکر امام حسن (ع) و سپس حادثه عاشورا شد. اگر فهم مردم از فهم اسلام ناب جدا شود، مردم ولی فقیه که نماینده اسلام ناب است را نمی‌خواهند. لذا اکنون نظامات غربی سعی دارند که فهم مردم را از فهم اسلام ناب جدا کنند. دشمن با نظامات خود قصد دارد «دفعتمک عن مقامکم و ازلتکم عن مراتبکم الّتی رتبکم الله فیها» را اجرا کند.

\* تبیین سه کلیدواژه‌ای که دشمن قصد دارد تا مفهوم اسلامی آنها را به مفهوم غربی تبدیل نماید: کلیدواژه‌های حجاب، ولایت، علم

۱. نظامات غربی، فهم مردم را از مفهوم عفت و حجاب عوض می‌کنند.

۲. نظامات غربی، فهم مردم را از مفهوم ولایت عوض می‌کنند.

۳. نظام علمی غربی، مفهوم علم را عوض می‌کند یعنی فهم مردم را از علم اسلامی به مفهوم علم غربی تبدیل می‌کند.

اگر مفاهیم عوض شود مسیر هم عوض خواهد شد.

## ۱- حجاب

۱-۱- مسیر تغییر مفهوم حجاب در اسلام به مفهوم دیگر

یعنی ارتش نظام غربی با چه نظام‌هایی و از چه طرقتی این مفاهیم را تغییر داده و می‌دهد. غرب با ارتش نظام فرهنگی (غرب یک نظام فرهنگ عمومی دارد) به جنگ با حجاب می‌پردازد. نظام غربی به عنوان یک ارتش فرهنگی، لشگریان زیادی دارد که به وسیله آن لشگریان بر ما حکوت می‌کند. دشمن سعی می‌کند تا با نفوذ و تأثیرگذاری در بخش‌های ذیل، فهم مردم را عوض کند. دستگاه‌هایی که دشمن با نفوذ در آنها می‌تواند مفاهیم حجاب را تغییر دهد، عظیم و گسترده می‌باشند:

۱- با فرهنگسراها.

۲- با فیلم‌های سینمایی و هنرپیشه‌ها.

۳- با سناریو و فیلم‌نامه نویس‌ها.

۴- با کارگردان‌ها.

۵- از طریق تئاتر.

۶- از طریق جشنواره‌ها.

۷- از طریق مطبوعات.

۸- از طریق سریال‌های سوپرمارکتی (شبکه نمایش خانگی).

۹- از طریق شبکه‌های انسانی (در آرایشگاه، در سبزی‌فروشی، در خیابان و تاکسی و اتوبوس و...).

۱۰- از طریق اشتغال‌های نامناسب.

۱۱- از طریق مدیریت‌ها.

۱۲- از طریق استانداران.

۱۳- از طریق صداوسیما

۱۴- از طریق دانشگاه و اساتید غرب زده

۱۵- از طریق آموزش و پرورش

۱۶- از طریق وزارت ارشاد و ...

۱-۲- مفهوم حجاب در اسلام: حفظ حرمت و حریم و استحکام خانواده، کرامت زن، عفت و سلامت روانی زن و مرد، پاکدامنی، ایمان و...

۱. مفهوم حفظ حرمت و حریم و استحکام خانواده.

۲. مفهوم کرامت زن.

۳. مفهوم عفت و سلامت روانی زن و مرد.

۴. مفهوم آرامش اجتماعی.

۵. مفهوم حفظ حدود الهی.

۶. مفهوم اشتغال سالم.

۷. مفهوم ارتباط سالم.
۸. مفهوم حفظ امنیت.
۹. مفهوم پاکدامنی.
۱۰. مفهوم پیشگیری از خطرات اخلاقی.
۱۱. مفهوم عقلانیت الهی.
۱۲. مفهوم بزرگ منشی.
۱۳. مفهوم مراقبت از دل به نفع ناموس و خانواده.
۱۴. مفهوم ایمان.
۱۵. مراقبت از محبت به نفع خانواده.

۳-۱- مفهوم حجاب در در نظامات غربی: محدودیت، اجبار، ضد آزادی، ضد درآمد و اشتغال، افسردگی، دوری از جمع، تکروری، انزواطلبی و...  
نظام غربی باعث می‌شود مفاهیم حجاب در اسلام به مفاهیم زیر برگردد و تغییر یابد:

۱. محدودیت.
۲. اجبار.
۳. حجاب به معنی ضد زیبایی.
۴. حجاب به معنی ضد رفتار طبیعی.
۵. حجاب به معنی ضد آزادی.
۶. حجاب به معنی ضد فعالیت.
۷. حجاب به معنی ضد درآمد و اشتغال.
۸. حجاب به معنی در اسارت شوهر.
۹. حجاب به معنی افسردگی.
۱۰. حجاب به معنی ضد رابطه با جامعه.
۱۱. حجاب به معنی ضد تولید.
۱۲. حجاب به معنی دوری از جمع.
۱۳. حجاب به معنی تکروری.
۱۴. حجاب به معنی انزواطلبی.
۱۵. حجاب به معنی خجالت‌زدگی.
۱۶. حجاب به معنی ضد ارتزاق.
۱۷. حجاب به معنی ضد نشاط.

کسی که حجاب را اینگونه می‌فهمد اگر چادر هم سر کند فایده‌ای ندارد. در جریان حجاب «دفعتمکم عن مقامکم» بخشی از جامعه را گرفته است. جنگ با حجاب را ارتش نظام فرهنگ عمومی غرب بر عهده دارد که توسط گمراهان داخلی فرماندهی می‌شود. مادرانی که خود چادر دارند اما با حجاب فرزندشان مخالف هستند، جانبازان فرهنگی‌اند. جانبازان فرهنگی غیر از جانبازان نظامی هستند. جانبازان نظامی محبوب هستند اما جانبازان فرهنگی مطرود هستند. کسی که فاسد می‌شود تلفات جنگ فرهنگی است.

## ۲- ولایت

۲-۱- مسیر تغییر مفهوم ولایت در اسلام به مفهوم دیگر  
یعنی ارتش نظام غربی با چه نظام‌هایی و از چه طرقی این مفاهیم را تغییر داده و می‌دهد. غرب با ارتش نظام تکثرگرایی به جنگ با ولایت می‌پردازد. این ارتش به طرق زیر با ولایت می‌جنگد:

۱. با نفوذ از طریق انتخابات (انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شوراها، انتخابات مجلس، انتخابات داخلی، انتصابات وزارتخانه‌ها، انتصابات دانشگاه‌ها، انتخابات مجلس دانش‌آموزی و...) تلاش می‌کنند تا مسیر را به سمت دلخواه خود ببرند. اصل انتخابات بد نیست، اما اینها از این طریق وارد می‌شوند.
۲. از طریق انتصابات و سپردن مدیریت امور به دست غربگرایان.

۳. از طریق ایجاد احزاب. (از احزاب حمایت می‌کنند که هرکدام یک پرچمی بردارد و فریاد بزند تا صدای رهبر در این میان گم شود)
  ۴. از طریق ایجاد NGOها.
  ۵. از طریق رسانه‌ها (رسانه‌های دیداری و نوشتاری).
  ۶. از طریق مصاحبه‌ها (شورها، وکلا، وزرا، استانداران).
  ۷. از طریق تجمعات خیابانی (همایش‌ها).
  ۸. از طریق آموزش و پرورش.
  ۹. از طریق وزارت کشور.
  ۱۰. از طریق تبلیغات و غوغاسالاری.
  ۱۱. از طریق شبکه‌های انسانی.
  ۱۲. از طریق ترجمه اندیشه‌های کفر و سکولار (ترجمه فلسفی و اجتماعی و فکری).
  ۱۳. از طریق اعطای امتیازات.
  ۱۴. از طریق یاری رساندن به جریان‌ها و احزاب مخالف.
- این لشکر از این طرق وارد می‌شود. حالا چه می‌کند؟ مفاهیم قرآنی و اسلامی ولایت را به مفهوم غربی تغییر می‌دهد.
- ۲-۲- مفهوم ولایت در اسلام: نماینده اسلام و قرآن، حافظ یکپارچگی و وحدت امت، راهبر و ناخدای کشتی انقلاب، صاحب اختیارات جامعه، پیشگیرنده از انحرافات، حافظ ثبات جامعه و...
۹. مفهوم نمایندگی از معصوم(ع).
- مفهوم قرآنی و اسلامی ولایت: ما از قرآن و «الله ولی الذین آمنوا» مفهوم ولایت را استخراج کرده‌ایم:
۱. پرستاری.
  ۲. مفهوم خبروایت.
  ۳. مفهوم هدایت‌های راهبردی (هدایت‌های راهبردی برای خداست: «ان الله علیهم و انتم لا تعلمون») واسطه این هدایت‌ها اول پیامبر(ص) سپس معصومین(ع) و بعد هم ولی فقیه است.
  ۴. مفهوم نماینده اسلام و قرآن.
  ۵. مفهوم حافظ یکپارچگی و وحدت امت.
  ۶. مفهوم فرماندهی مقدس (فرماندهی نظامی جداست و از جانب معصومین(ع) است. چون این فرماندهی مقدس است، همه جان‌ها را در کف می‌گذارند و به جبهه‌ها می‌روند).
  ۷. مفهوم راهبر و ناخدای کشتی انقلاب.
  ۸. مفهوم صاحب اختیارات جامعه.
  ۹. مفهوم نمایندگی از معصوم(ع).
  ۱۰. مفهوم پشتیبان و اطمینان بخش از جانب معصوم(ع) (تحمل مشکلات با تکیه به ولی فقیه آسان می‌شود).
  ۱۱. هماهنگی و محتوای حرکت جامعه با مفاهیم وحیانی (ولی فقیه حرکت کل جامعه را با مفاهیم وحیانی هماهنگ می‌کند و غیر از او کسی قادر به این کار نیست).
  ۱۲. مفهوم محافظ حقوق حقیقی مردم در برابر دولت‌ها و حکومت‌ها و وکلا و وزرا و کلاهبرداران سیاسی.
  ۱۳. مفهوم پیشگیرنده از انحرافات (فقط ولی فقیه می‌تواند مردم را از انحرافات خطرناک اجتماعی حفظ کند).
  ۱۴. مفهوم پیشگیرنده از تسلط دشمن. (ولی فقیه دیده‌بان جامعه است و دشمن را از دور می‌بیند. «عین الله الناظره» است. اگر او سرکوب شود «عین الله الناظره» نابینا می‌شود. به غیر از او، کس دیگری نمی‌تواند «عین الله الناظره» باشد).
  ۱۵. مفهوم پیشگیرنده از استبداد جمعی و حزبی (احزاب رشد می‌کنند و بر مردم سوار می‌شوند و فقط ولی فقیه می‌تواند آنها را پایین بکشد).
  ۱۶. مفهوم پیشگیرنده از توطئه‌های فردی و جمعی.
  ۱۷. مفهوم پیشگیرنده از دشمنان خارجی.
  ۱۸. مفهوم حافظ پیشرفت‌ها.

۱۹. مفهوم حافظ ثبات جامعه. (با تغییر دولت‌ها، طرفدارانشان قطاری روی کار می‌آیند. با ولایت فقیه تداوم حرکت و ثبات ایجاد می‌شود. ولی فقیه در برابر تحولات و تحولات سیاسی و تبدلات دولتی، جریان رود را جاری نگه می‌دارد. با ولی فقیه جریان و حرکت کشور تداوم و ثبات پیدا می‌کند).

۲-۳- مفهوم ولایت در نظر نظامات غربی: تک‌صدایی، استبداد، ضد تکثرگرایی، ضد شورا و...  
نظامات غربی درصدد تغییر مفهوم ولایت در نظر مردم هستند.

۱. تک‌صدایی.

۲. تکروی.

۳. استبداد.

۴. ضد آزادی.

۵. ضد مشورت و دموکراسی.

۶. ضد تکثرگرایی.

۷. ضد تصمیمات فردی.

۸. ضد فرهنگ عمومی و نظرات جامعه (با نظرسنجی نظرسازی می‌کنند و می‌گویند این خواست مردم است. محتوای نظرسنجی باید با کسانی که مورد نظرسنجی قرار می‌گیرند مطابق باشد).

۹. ضد مشورت و دموکراسی.

۱۰. ضد شورا.

۱۱. فردی محترم ولی غیر مقدس (مقام معظم رهبری باشد اما فردی مقدس نباشد که حرف‌هایش لازم‌الاجرا باشد. می‌گویند مقدس استبداد می‌آورد. او هم فردی است دارای یک پست سیاسی مثل سایر مقامات حکومتی).

۱۲. فردی دارای احترام ولی دارای اختیارات محدود.

۱۳. فردی مزاحم در برابر شوراها، در برابر مجلس، در برابر مصوبات، در برابر تصمیمات جمعی، در برابر حرکت‌های تصمیم‌سازان و سیاستمداران.

عده‌ای ولایت فقیه را اصلاً نمی‌شناسند. عده‌ای ولایت فقیه را قبول دارند اما مأموریت‌هایش را نمی‌شناسند و به دنبال روضه رهبر هستند. ولی به سخنان رهبر عمل نمی‌کنند. عده دیگر احزاب و تکثرگرایانی هستند که در ظاهر خود را حامی مقام معظم رهبری می‌دانند، اما آن را مقدس نمی‌دانند و... .

ولی فقیه ولایتش را از «الله ولی الذین آمنوا» یعنی از ولایت خدا گرفته است. ولایت تقدسش را از خدا و معصومین (ع) گرفته است. مأموریت‌هایش مأموریتی است که فرد دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد. اگر مقدس نباشد که نمی‌تواند مردم را برای شهادت آماده کند. اگر تقدس نباشد نمی‌تواند حرکت جمعی کشور را هدایت کند. اول محتوا و مفهوم است و بعد به شخص می‌رسد.

۳- علم

۱-۳- مسیر تغییر مفهوم علم در اسلام به مفهوم دیگر

نظام علمی مفهوم اسلام از علم را به مفهوم کفر و سکولار از علم تبدیل کرده و سعی می‌کند تا مردم هم طرفدار آن مفهوم شوند. در آن صورت، اگر ولی فقیه ضد آن صحبت کند در حقیقت ضد مردم خودش سخن گفته است.

یکی از ارتش‌های لشگریان نظامات غربی، نظام علمی است. نظام علمی از طرق زیر مفهوم علم اسلامی را عوض می‌کند:

۱. از طریق دانشگاه.

۲. از طریق آموزش و پرورش.

۳. از طریق مدیریت‌ها.

۴. از طریق بورسیه‌ها.

۵. از طریق ارتباطات و دیپلماسی علمی دانشگاه‌ها با جریان سکولار.

۶. از طریق کتب درسی و آموزشی.

۷. از طریق اساتید غرب زده.

۸. از طریق وزارت‌خانه‌ها و مراکز تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی.

۹. از طریق ترجمه‌های علمی از اندیشه‌های غربی.
۱۰. از طریق ترجمه‌های فلسفی و فکری از غرب.
۱۱. از طریق ترجمه‌های تکنولوژیکی.
۱۲. از طریق برنامه‌ریزی‌های اجرایی.
۱۳. از طریق جشنواره‌ها.
۱۴. از طریق همایش‌ها و کنفرانس‌ها.
۱۵. از طریق اعطای امتیازات.

۲-۳- مفهوم علم در اسلام: نور و بصیرت، باز کردن افق‌های معرفت، شکوفایی استعداد‌های انسان و...

۱. مفهوم نور و بصیرت.
۲. مفهوم باز کردن افق‌های معرفت.
۳. مفهوم ایجاد آگاهی و بیداری جامعه.
۴. مفهوم توانایی‌های درونی جامعه.
۵. مفهوم ایجاد توانایی‌های ملی و انسانی.
۶. مفهوم شکوفایی استعداد‌های انسان.
۷. مفهوم آزاد کردن ذهن‌ها و قلب‌ها از اسارت‌های علمی غرب.
۸. مفهوم ایجاد حس اعتماد به نفس (ما می‌توانیم).
۹. مفهوم محتواگرایی.

علم در اسلام این مفاهیم را دارد. اما حتی مدارس اسلامی هم این مفهوم از علم را دنبال نمی‌کنند. هدف دشمن این است که «دفعتمک عن مقامکم» در مدارس و دانشگاه‌ها اتفاق بیافتد. دانشگاه‌ها مأمور «دفعتمک عن مقامکم» بشوند. علم را از مفهوم اسلامی‌اش جدا کرده‌اند و به سمت مدرک‌گرایی برده‌اند و به دنبال عالم شدن نباشند.

۳-۳- مفهوم علم در نظر نظامات غربی سکولار: کسب مدرک، کسب ثروت، تفاخر و تکاثر، احساس نیاز به غرب و...

۱. کسب مدرک.
۲. کسب اشتغال.
۳. کسب قدرت.
۴. کسب مدیریت.
۵. کسب ثروت.
۶. تفاخر و تکاثر.
۷. احساس نیاز به غرب.
۸. احساس نیاز به تکنولوژی و حرفه‌ها و فنون.
۹. احساس نیاز به تخصص‌های ابزارساز.
۱۰. مصرف‌کننده اندیشه‌ها و تولیدات غرب.
۱۱. معتقد به ارتباط تنگاتنگ با دانشگاه‌های غربی.
۱۲. تهیه مقالات مورد تأیید غرب.
۱۳. تخصص در کاربری دستگاه‌ها و تولیدات غربی.
۱۴. آموختن سطحی تخصص‌ها بدون فهم پیش‌نیازها و فلسفه‌های تأسیس آنها بدون فهم فرهنگ‌های زیربنایی آنها.
۱۵. آشنایی هرچه بیشتر و دقیق‌تر با صنایع و تولیدات غربی.
۱۶. آشنایی هرچه دقیق‌تر با تمدن غرب.

اکنون حتی در مدارس و دانشگاه‌های اسلامی هم به دنبال علم به معنای نور و بصیرت نیستند. با نظام غربی فهم ما از علم را از مفهوم اسلامی آن جدا کرده‌اند و الآن فهم ما فهمی است که جهان کفر و سکولار از علم دارد.

اینجاست که مصادیق زیارت عاشورا را می‌فهمیم و دردناک می‌شود. «دفعتمکم عن مقامکم» اتفاق می‌افتد. به طور اتفاقی جریان‌ها علیه ولایت فقیه شکل نمی‌گیرد، اتفاقی بی‌حجابی زیاد نمی‌شود، اتفاقی تحریم‌ها زیاد نمی‌شود. همه بر اساس نظام، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شوند...

### 📖 گزارش جلسه سیزدهم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۲/۱۱/۳

**صابره: گزارش جلسه ۱۳ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: معرفی نشانه‌های انسان‌هایی که ملائکه در همین دنیا بر آنها نازل شده‌اند بر**

**بنای قرآن کریم: گفتار حکیمانه و راهبردی، عمل‌پسندیده، زندگی‌نورانی**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه سیزدهم دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش‌پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۳ بهمن ۹۲ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. در این جلسه، استاد زاهدی به مرور مطالب تدریس شده در جلسه قبل و تشریح آن پرداختند. خلاصه‌ای از مطالب ارائه شده در این جلسه به شرح ذیل می‌باشد:

- اگر ملتی از نظر فرهنگی دارای نظامات قوی باشد، حتی اگر دشمن تجاوز نظامی هم کند، موفق نخواهد شد.

- اشاره به مأموریت‌های «حجاب» در فرهنگ عمومی جامعه.

- توضیحاتی درباره فهم جنگ فرهنگی و تلفات ناشی از این جنگ.

- توضیحاتی درباره مفاهیم ظلم و جور در زیارت عاشورا: (ظلم به معنی تجاوز، جور به معنی تبعیض...) و اشاره به پایه‌گذاری و رواج دادن تبعیضات توسط برخی افراد در کشور.

- اشاره به موضوع امید و ناامیدی در فرهنگ اسلامی. در مبارزه‌ای که مقام شهادت دارد، توکل به رحمت حق، موضوعیت دارد نه امید یا ناامیدی. لذا ما با توکل به خدا به تکلیف خود عمل می‌کنیم. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) خداست که همه چیز را اداره می‌کند. هدایت نزد اوست. ما توکل به خدا داشته و در راه دین ایستادگی می‌کنیم. مأموریت ما طبق این آیات است: «اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» (آل عمران: ۲۰۰) - «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» (فصلت: ۳۰) - «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفَرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا» (سبأ: ۴۶)

لذا در راه خدا، امید به لیبیک گفتن دیگران یا ناامیدی از بی‌محل دیگران معنا ندارد. لذا اگر راه حق، حامی نداشت، نباید ناامید شده و دفاع از راه حق را رها نمود. در راه و مکتب اهل‌البيت (ع) امید و ناامیدی‌های دنیایی وجود ندارد.

- تفسیر آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» (فصلت: ۳۰). یعنی ای عاشقان ما! اگر در راه ما استقامت کنید، در همین دنیا ملائک بر شما نازل می‌شوند. نشانی آن هم این است که: ۱- «وَهُدُّوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ» (حج: ۲۴) گفتار او حکیمانه و راهبردی می‌شود. قول‌ها و حرف‌های او نشان‌دهنده راه نجات می‌شود. ۲- «وَهُدُّوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ» (حج: ۲۴) اعمال او به سمت راه‌های پسندیده می‌رود. ۳- «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشَى» (انعام: ۱۲۲) مشی او نورانی می‌شود و با آن نور زندگی می‌کند.

- عاشقی سلامتی می‌خواهد، سلامتی باید مثل اسپند، خرج اهل‌البيت (ع) شود. سلامتی را باید خرج امام حسین (ع) کرد.

- دعا یکی از اجزای نظامات فرهنگ عمومی در اسلام است. دعا، مخ‌العباده است. دعا، جُند المؤمن است. دعا، اصل عبادت است...

### 📖 گزارش جلسه چهاردهم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۲/۱۱/۱۰

**صابره: گزارش جلسه ۱۴ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: طبق آیه شریفه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ»، نظام اسلامی به هیچ وجه نمی‌تواند**

**نظام کفر را بپذیرد و آنها نیز نظام ما را نخواهند پذیرفت / هدف داووس، خشک کردن ریشه سرمایه‌های جهان اسلام است / هدف از**

**ساخت نظامات غربی این است که پایگاه‌های ترویج بدحجابی، تورم، دزدی، رانت‌خواری و... را بشناسیم**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه چهاردهم دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش‌پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۱۰ بهمن ۹۲ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد.



جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر موسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره(س) سخنان مبسوطی در رابطه با شناخت ابعاد نظامات غربی داشتند که در ادامه به محورهای بحث اشاره شده است:

- غرب نظاماتی دارد که با کمک این نظامات بر کشور ما و کشورهای دیگر مدیریت می کند.
- آمریکا به کمک تعدادی هوادار در کشورهای مورد نظر خود، ایجاد آشوب کرده و حکومت آنها را تغییر می دهد. مانند آنچه در مصر اتفاق افتاد و قصد اجرای آن را در ایران هم دارد.
- با شناخت نظامات غربی نیمی از مشکلات حل می شود.
- تسلط این نظامات بر ما باعث شده به رغم وجود مجلس خبرگان، شورای نگهبان، رهبری و... موارد ضد ارزشی مانند بی حجابی، ریختن قبح ارتباط با نامحرم، بی بند و باری و... زیاده تر شود.
- هدف ما از شناخت نظام غرب این است که پایگاه های ترویج بدحجابی، تجاوز به حقوق، مشکلات اقتصادی، تورم، دزدی، رانت خواری و... را بشناسیم.
- با توجه به سوره مبارکه کافرون آیه ششم: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ» نظام اسلامی به هیچ وجه نمی تواند نظام کفر را بپذیرد و آنها هم نظام ما را نخواهند پذیرفت. درصدی از نظام آنها در ما رخنه کند از آنها رنگ پذیرفته ایم.
- غرب در برابر سرمایه های ایرانی و جهان اسلام، شورای سیاست گذاری به نام داووس دارد؛ که افراد آن عموماً اسرائیلی هستند و هدفشان خشک کردن ریشه سرمایه های جهان اسلام است.
- غرب با نظامات خود نظام بانکداری جهان را اداره می کند به طوری که کشور ما با داشتن پول و سرمایه در اقصی نقاط جهان به دلیل عدم اجازه بانک جهانی مرکزی، امکان انتقال سرمایه خود به کشور را ندارد.
- با مطرح کردن شایسته سالاری، مهره های غربی و اخراجی را با نیروهای متعهد تعویض کردند.
- در برابر حرکات مثبت نظام حرکت منفی انجام می دهند، در برابر نظرات رهبری نظریه سازی کرده، تکثرگرایی را جانشین دین گرایی می کنند....

### 📖 گزارش جلسه پانزدهم دوره نظام شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۲/۱۱/۱۷

**صابره: گزارش جلسه ۱۵ نظام شناسی / استاد زاهدی: حضور در داووس به معنی پذیرفتن نظام های غربی است / نظام تجاری و اقتصادی ما باید مطابق و متناسب با «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ» باشد، نه مطابق نشست داووس / قرار گرفتن در سیستم دهکده جهانی یعنی حرکت در جهت نظام غربی / ضربه علمای سوء به نظام جمهوری اسلامی / تغییر فرهنگ یک ملت در گرو تاثیر گذاری روی مبانی نظام فرهنگی (تفکر، اعتقادات و رفتار) آن ملت است**

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه پانزدهم دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۱۷ بهمن ۹۲ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد.

جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر موسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره(س) حول محور شناخت نظام کفر و سکولار و ساختار نظام فرهنگی سخنرانی کردند. گزیده ای از مطالب تدریس شده در این جلسه:

- ضرورت شناخت نظام های کفر و سکولار و دریافت چگونگی یارگیری این نظام ها از یاران انقلاب و تبدیل آنها به مخالفان انقلاب.
- آنچه در مباحث نظام شناسی مورد تاکید می باشد بر سه پایه است: بازسازی نظام ها، تقویت نظام ها، تاسیس نظام های اسلامی.
- با توجه به آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰)؛ «رَبُّنَا اللَّهُ» را پیامبر اکرم (ص) و امام خمینی (ره) و شهدا، بیان فرمودند. «ثُمَّ اسْتَقَامُوا» را ائمه معصومین علیهم السلام ایستادگی کردند و ما باید مانند آنها، پرچم استقامت را برافراشته نگه داریم و راهی را که شهدا و بزرگان ما رفتند، ادامه دهیم.
- تفاوت مفهوم "تفکر" و "فکر": منظور از «تفکر» سنجیدن اوضاع زمانه و نتیجه گیری براساس این سنجش و در انتها برنامه ریزی کردن است. منظور از «فکر» این است که بدون توجه به اوضاع زمانه، برنامه ریزی صورت گیرد.

- برای ایام الله ها مثل راهپیمایی ۲۲ بهمن، برنامه ریزی توسط مسئولین سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت ارشاد ضرورت دارد تا اهداف اصلی شرکت در این راهپیمایی ها فراموش نشود. یکی از اهداف راهپیمایی ۲۲ بهمن آمادگی مردم برای شهادت در راه خداست. در حال حاضر عملکرد

برخی از سازمان‌ها یا نهادها برای ۲۲ بهمن، صرفاً چاپ و تکثیر پوستر با تیراژ بالا یا ایجاد غرفه‌هایی است که چند نفر نوازنده در آن می‌نوازند تا دختر بچه‌ها سرود بخوانند.

- داووس مرکز سرمایه‌داری جهانی صهیونیست است و آنقدر سیاسی است که به شیمون پرز جایزه صلح جهانی می‌دهد؛ بعضی مسئولین در آن شرکت کرده‌اند و توجیه می‌کنند که نمی‌شود اقتصاد کشور رشد کند ولی ارتباط با سیستم سرمایه‌داری جهانی پیدا نکرد که این به معنی پذیرفتن نظام‌های غربی است.

- نظام تجاری و اقتصادی ما باید مطابق و متناسب با «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره: ۲۷۷) باشد نه مطابق نشست داووس.

- «آتُوا الزَّكَاةَ» یعنی نظامات سرمایه‌داری اسلامی را سامان دهیم و ربا را که هم اکنون در نظام بانکداری تجاری و اقتصادی ما حاکم است، برداریم.

- «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» یعنی نظام تربیتی طراحی کنیم که بچه‌ها سر نماز جماعت بیایند.

- نظام غرب زیرساخت‌های کشورهای اسلامی را از بین می‌برد و نمی‌گذارد هیچ کشور اسلامی سر جای خود باشد مانند سوریه، مصر، لیبی و ...

- قرار گرفتن در سیستم دهکده جهانی یعنی حرکت در جهت نظام غربی. یعنی باید کدخدا را بشناسی و نظام او را بپذیری.

- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: بیشترین ترسی که از امت خود دارم از علمای سوء است. در حال حاضر علمای سوء به نظام جمهوری اسلامی ضربه می‌زنند.

- بی‌تابی برای امام زمان (عج) که در دعای ندبه می‌خوانیم: «هل قذیت عین فساعدتها عینی علی القذی» به این معنی است که باید دین و نمادهای دین زنده شوند.

- راه گم شود، دید جامعه سطحی شده و اگر کسی بگوید قیمت دلار را کنترل می‌کند، به او رأی می‌دهند.

- نظام فرهنگی به دو بخش مبانی و صنایع تقسیم می‌شود:

• مبانی شامل تفکر، اعتقاد و رفتار می‌باشد. پس هرگاه بخواهیم فرهنگ ملتی را تغییر دهیم در واقع باید تفکر، اعتقادات و رفتار آنها را عوض کنیم.

• صنایع یک صنعت است؛ یعنی خودشان تشکیلات و عوامل فرهنگی هستند و مأموریت سازماندهی مبانی را دارند. مانند: تلویزیون، فرهنگسراها، مطبوعات و ... یک سازماندهی فرهنگی است که تشکیلات را سازماندهی می‌کند.

- نظام فرهنگی می‌تواند به سوی نظام کفر و سکولار پیش رود یا به سوی فرهنگ اسلامی.

- نظام فرهنگ اسلامی به سوی حیا، محبت، ترحم، صداقت و ... پیش می‌رود.

- نظام فرهنگ اسلامی شامل زیرنظامات زیر می‌باشد:

فرهنگ تولید، فرهنگ مصرف، فرهنگ سرمایه‌داری، فرهنگ توزیع، فرهنگ ساده زیستی، فرهنگ ارتباط، فرهنگ اعتقادی، فرهنگ پیرایش و تجملات، فرهنگ ادارات، فرهنگ روابط زن و مرد، فرهنگ ازدواج، فرهنگ هنر، فرهنگ سیاسی، فرهنگ علمی و ...

## 📖 گزارش جلسه شانزدهم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۲/۱۱/۲۴

**صابره: گزارش جلسه ۱۶ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: تنها راه پیاده‌شدن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، طراحی نظامی است که انسان‌ها فقط خدا را پرستیده و فقط از خدا طلب‌یاری داشته باشند / حضرت مهدی (عج) صاحب‌رایت و پرچم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» هستند / گزینه اصلی روی میز دشمن، نظام فرهنگی است / جنگ فرهنگی، بین رفتار کفر و سکولار و رفتار توحیدی برقرار است**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه شانزدهم دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۲۴ بهمن ۹۲ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد.

جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم توسط حاج جواد صنوبری آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) در دو موضوع نظام‌سازی بر مبنای آیه شریفه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (فاتحه: ۵) و تشریح ارکان نظام فرهنگی مطالب خود را تدریس نمودند. در ادامه رئیس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه، عنوان می‌شود:

\* تنها راه پیاده شدن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، طراحی نظامی است که انسان‌ها فقط خدا را پرستیده و فقط از خدا طلب یاری داشته باشند - ضرورت استخراج نظام از «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»

نعبد متکلم مع الغير است، به معنی همه ما. همه ما فقط باید به پرستش خدا پردازیم. فقط از او یاری بطلبیم. باید نظامی را طراحی و ایجاد کنیم تا همه انسان‌ها فقط خدا را بپرستند. منظور از «ما» چه کسانی هستند؟ منظور فقط مسلمانان نیستند. همه انسان‌ها هستند. همه بندگان خدا هستند. چون همه انسان‌ها بر اساس فطرت الله خلق شده‌اند و همه دارای فطرتی حق طلب هستند. اما به علت تأثیر نظامات کفر و غربی، خیلی از انسان‌ها گمراه شده و خداپرست نیستند.

- سطوح سه گانه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»:

۱- سطح داوطلبانه: همه ما تو را می پرستیم. یعنی نظامی را در جامعه اسلامی برقرار می کنیم که مردم به سوی پرستش تو حرکت کنند. کتاب‌ها، کلاس‌ها، معلم‌ها، شیوه آموزش و تربیت، وزارت آموزش و پرورش و... باید نتیجه‌شان به حق پرست شدن و خداپرست شدن دانش‌آموزان بیانجامد، نه اینکه دانش‌آموزان کنکور پرست شوند!

۲- سطح اجباری: ما «باید» چنین کنیم. ما باید خدا را بپرستیم. چون ولی، مرشد، رب و پرستار ما، خداست. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره: ۲۵۷)

۳- سطح تنها راه نجات: یعنی راهی غیر از این نداریم. «إِيَّاكَ» لفظ حصر است. معنی «فقط» می دهد. «تنها» راه نجات همین است. راهی محکم، قوی، نجات‌بخش، روشن و یاری‌دهنده. هیچ چیز دیگر نباید در آن آمیخته باشد، چون شرک خواهد شد.

ما نمی‌توانیم اقتصاد، فرهنگ و اندیشه‌های آمریکا را بپرستیم، زیرا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی اینکه سلول‌های ما، سرمایه‌های ما، موجودی ما، وجود ما و حقیقت ما به سوی خداست. رفتار و بندگی ما به سوی خداست.

- معانی «نَعْبُدُ»:

منظور از پرستش، اطاعت و ارادت و حرکت به سوی خداست. هدف‌گیری به سوی اوست. صمیمی شدن و دلبری کردن به سوی اوست. سپردن امور به دست اوست. حرکت‌های سرنوشت‌ساز به سوی اوست. سامان‌دهی سرنوشت جامعه به سوی اوست.

پرستش یعنی اطاعت کردن و اجابت کردن دعوت. لذا پرستش نفس اماره یعنی اطاعت از اوامر نفس اماره. دوستی با دشمن، پرستش است. آداب دشمن را پذیرفتن، پرستش است. علوم دشمن را درست پذیرفتن، پرستش است. سیر حرکت جامعه را به سوی دشمن هدایت کردن، پرستش است.

در نتیجه: طبق سطح اول: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی تمام اطاعت‌ها، تمام ارادت‌ها، تمام علائق و محبت‌ها، تمام حرکت‌های سرنوشت‌ساز، تمام جشن‌ها و عزاداری‌ها، تمام نمادها و سمبل‌ها، تمام پرچم‌ها، تمام علوم و دانشگاه‌ها و... همه به سوی توست. به تو ارادت داریم. بندگی تو را داریم. تو را دوست داریم. از قوانین تو پیروی می‌کنیم. عشق و محبت



تو را در دل پرورش می‌دهیم. راه تو را می‌روییم. پیام‌های تو را دریافت می‌کنیم. از خشم و قهر تو می‌ترسیم. به فیوضات تو زنده‌ایم. و طبق سطح دوم: «باید» به تو ارادت داشته باشیم. «باید» به تو دل ببندیم. «باید» از قوانین تو پیروی کنیم. «باید» به نعمات تو چشم بدوزیم. «باید» دل را پرستش‌گاه تو قرار دهیم. «باید» دل را محل مناجات و رازگویی با تو قرار دهیم. باید برای عملی شدن این‌ها، نظام سازی کنیم. و طبق سطح سوم: فقط راهی نداریم جز این کارها. «تنها» راه نجات این است که «فقط» با تو مناجات کنیم. «تنها» راه نجات این است که به غیر تو دل نبندیم. «تنها» راه نجات این است که «فقط» از قهر تو بترسیم. «تنها» راه نجات این است که «فقط» فرمان‌های تو را اطاعت کنیم...

در نهایت، سطح اول به منزله «انتخاب و اختیار» است. سطح دوم به منزله «اجبار» است. سطح سوم به منزله «محدود شدن و تحدید به این راه» است. لذا باید نظام‌سازی کنیم و تنها راه پیاده شدن این معانی هم، نظام سازی است.

- ضرورت استخراج نظام از «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

فقط از تو یاری می‌خواهیم. فقط از فرهنگ تو استفاده می‌کنیم. فقط راه نجات را از فرهنگ تو جستجو می‌کنیم. استعانه یعنی دربه‌در به دنبال فریادرس و یاری‌کننده گشتن. خداوند در این آیه به ما یاد داده که ما «استعانه» کنیم و او «اعانه» (کمک) کند. اعانه با استعانه فرق می‌کند. خارج شدن با استخراج فرق می‌کند. حال این طلب یاری از خدا، نظام می‌خواهد. کسب فیوضات حقتعالی، نظام می‌خواهد. به یک طراحی، برای حرکت به سوی طلب فیض نیاز دارد. در نتیجه، استعانه یعنی طراحی و نظام‌مندی برای طلب خیر و طلب یاری. طبق روایات، هر کس دعا کند و به دعایش عمل نکند به خدا توهین کرده است. حضرت موسی (ع) وقتی مریض شد و به طبیب مراجعه نکرد و فقط دعا کرد، خداوند به او فرمود که آیا با توکل من به جنگ حکمت من رفته‌ای؟ لذا باید فیوضات حق را استخراج کنیم، آن هم با طراحی نظام. دعای صرفاً زبانی و

استعانه بدون عمل، فایده‌ای ندارد. باید نظام باشد تا به «اهدنا الصراط المستقیم» برسیم. خدا اسباب گذاشته، باید به اسباب توسل کنیم. باید با وسایل موجود به سوی خدا برویم سپس توکل کنیم... .

«نَسْتَعِينُ» جمع است. لذا «ما» باید نظامی بسازیم تا یاری خدا را جلب کنیم. بحث فردی نیست. چون جمعی و همگانی است، لذا به طراحی نظام برای اجرا نیاز دارد. اگر نظام استعانه را طراحی نکنیم به عون و کمک و فیوضات خدا نمی‌رسیم. نظام «طلب عون» را باید طراحی کنیم. نظام گدایی در خانه خدا را باید طراحی کنیم.

– اگر نظام «طلب یاری از حق» طراحی نشود، دوباره رضاخان‌ها مسلط شده و با حجاب و عزاداری سیدالشهدا(ع) مبارزه خواهند کرد  
اگر چنین نظامی طراحی نشود، مدرسه‌ها و شیخ فضل‌الله نوری‌ها شهید می‌شوند و رضاخان‌ها حاکم می‌شوند که اجازه برگزاری روضه و عزاداری سیدالشهدا(ع) را نمی‌دهند و حجاب را از سر زنان برمی‌دارند و حرم امام رضا(ع) را به توپ می‌بندند. چرا رضاخان توانست این کارها را بکند؟ چون علمای سوء و بی تفاوت و عافیت طلب، از علمای عامل و در صحنه و نورانی ما دفاع نکردند و آنها را تنها گذاشتند و لذا امثال رضاخان‌ها مسلط شدند. در نتیجه اگر نظام «طلب یاری از حق» طراحی شود، آمریکا و صدام‌ها و پهلوی‌ها و... نمی‌توانند آسیبی به ما برسانند یا بر ما مسلط شوند. ولی اگر آن نظام طراحی نشود، حتی بنی‌صدرها هم می‌توانند ضربه بزنند.

– سطوح سه گانه «نَسْتَعِينُ»:

۱- سطح داوطلبانه: «نَسْتَعِينُ» بدان معناست که نظامی را که از تو (خداوند) یاری بطلبد را طراحی می‌کنیم. نظامی که جامعه را به سوی تو (خداوند) سوق دهد. نظامی که راه‌های نجات را به سوی تو (خداوند) سوق دهد طراحی می‌کنیم.

۲- سطح اجباری: در سطح دوم معنی «باید» را بر سر هر یک از جملات بالا می‌گذاریم و می‌گوییم: باید نظامی را که از تو یاری می‌طلبد و جامعه را به سوی تو سوق می‌دهد، طراحی کنیم... .

۳- در سطح سوم معنی راهی غیر از این نداریم را در جملات بالا قرار می‌دهیم. یعنی راهی جز طراحی نظام با خصوصیات مذکور نداریم.

\* حضرت مهدی(عج) صاحب رایت و پرچم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» هستند

تفسیر و تشریح معانی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» یک کتاب یا بیشتر خواهد شد. اینکه در در نماز امام زمان (عج) صد مرتبه ذکر «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» آمده است به منزله این است که هر کدام یک معنی دارد. صد معنی مستقل و متمایز از هم دارند. هر معنی پیام خاص و نجات بخش دارد. با معرفت باید این نماز را خواند.

– از «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» هم آرزوی ظهور و هم مکتب انتظار استخراج می‌شود

تحقق «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» در ظهور حضرت حجت (عج) متجلی خواهد شد. در عصر ظهور (رزقنا الله و ایاکم) همه انسان‌ها تحت نظام «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» قرار می‌گیرند. مالک و صاحب رایت و پرچم این نظام، خداوند متعال است و صاحب و در دست‌گیرنده و در عالم افزاننده این رایت، حضرت صاحب الامر(عج) می‌باشند. ایشان نظامی را طراحی و اجرا می‌نمایند که همه نسل‌ها به هدف «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» واصل می‌شوند. اینجاست که در «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، معنی «انتظار» را می‌فهمیم. لذا از «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» هم آرزوی ظهور و هم مکتب انتظار را استخراج می‌کنیم.

همان‌گونه که اکنون حقیقت همه اشیاء و تمام هستی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را به اجرا می‌گذارند، صورت واقعیت و ظاهری و ملکی‌شان هم باید به این مرحله واصل شود. برای رسیدن به این امر دو مرحله لازم است:

۱- عصر انتظار: یعنی تمهید مقدمات ظهور آن حضرت با زحمت کشیدن برای طراحی نظام بر مبنای «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».

۲- واصل شدن به آن مرحله، که در هنگام ظهور اتفاق می‌افتد.

\* ارکان اصلی نظام فرهنگی شامل مبانی فرهنگ‌ساز، صنایع فرهنگ‌ساز، مراکز فرهنگ‌ساز و عرصه‌های فرهنگ‌ساز می‌باشد

– همه قرآن، احکام اجتماعی هستند. سوره حمد تماماً فرهنگی است. «صراط الذین انعمت علیهم» فرهنگی است. «غیر المغضوب علیهم» فرهنگی است. از دید اسلام نظام فرهنگی عظیم است... .

– فرهنگ، عبارت است از تمامی جلوه‌های حیات انسانی اعم از تفکر، اعتقادات و رفتار.

– ارکان اصلی فرهنگ:

۱- مبانی فرهنگ‌ساز

۲- صنایع فرهنگ‌ساز

۳- مراکز فرهنگ‌ساز

۴- عرصه‌های فرهنگ‌ساز

این ۴ مورد در همه فرهنگ‌ها اعم از اسلام، کفر و سکولار وجود دارد. دشمن با دارا بودن این ۴ رکن در فرهنگ خود و شناخت کافی روی مبانی، صنایع، مراکز و عرصه‌های فرهنگ‌ساز، در جوامع اسلامی وارد شده و تلاش می‌کند تا ۴ رکن فرهنگی خود را با ۴ رکن فرهنگ اسلامی، جایگزین نماید.

- گزینه اصلی روی میز دشمن، همین نظام فرهنگی است و ۴ رکن اساسی نظام فرهنگی است. دشمن با برنامه‌ریزی دقیق، مبانی، صنایع، مراکز و عرصه‌های فرهنگ‌ساز ما را تغییر می‌دهد. دشمن با بمب و گزینه نظامی تهدید می‌کند اما با بمب و گزینه فرهنگی عمل می‌کند. به وسیله عوامل خود و همچنین عوامل و غرب‌زده‌های داخلی. این نیروهای داخلی در واقع با «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و «اهدنا الصراط المستقیم» می‌جنگند.

- ما باید این ۴ رکن اصلی نظام فرهنگی را در اسلام و غرب بشناسیم. اگر شناختیم می‌توانیم ببینیم که جشنواره فیلم فجر، مبانی فرهنگ‌ساز را هدف گرفته یا عرصه‌های فرهنگ‌ساز را یا هر ۴ رکن را با هم؟ یک فیلم چه پیامی دارد؟ اینکه در مغازه خوار و بار فروشی، پوستر بزرگ هنرپیشه‌ها و فیلم‌ها قرار دارد، چه پیامی دارد؟

- در راهپیمایی ۲۲ بهمن، فرض کنیم که میدان انقلاب ما به منزله شهر نجف است و میدان آزادی به منزله کربلاست. باید میان راه موکب باشد و این موکب‌ها محل آموزش فلسفه و چرایی «مرگ بر آمریکا» باشد. موکب‌هایی که به ما «لکم دینکم ولی دین» یاد دهد. موکب‌هایی که «اهدنا الصراط المستقیم» را تشریح کنند. باید محل تغذیه روحی و معنوی افراد حاضر در راهپیمایی باشد. نه اینکه با شامورتی و هنرپیشه‌ها ما را غافل کنند. متأسفانه در این غرفه‌ها سر و صدا و سرود و پاکوبی دیده می‌شود. مانند جشن‌های ملی سایر کشورها. این غرفه‌ها به صورت اتفاقی نیستند. پشت سر آنها یک نظام است. راهپیمایی ۲۲ بهمن، هم یک مرکز فرهنگ‌ساز و هم یک عرصه فرهنگ‌ساز است. نباید اجازه دستکاری دشمن در امور فرهنگی را داد. باید برای این مراکز و عرصه‌های فرهنگی برنامه داشته باشیم و این فرصت‌ها را در اختیار دشمن قرار ندهیم.

- توجه ائمه معصومین (ع) به این ۴ رکن موجب زنده ماندن اسلام تا به امروز شده است. اگر ائمه (ع) نبودند چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند. ما باید این ۴ رکن را شناخته و با شدت مراقب این ۴ عرصه باشیم.

#### \* تشریح رکن اول نظام فرهنگی: مبانی فرهنگ ساز

- مبانی فرهنگ‌ساز: شامل تفکر و اندیشه، اعتقاد، رفتار می‌باشد.

تفکر و اندیشه: به معنی هر نوع قضاوت، خیال، هر نوع تصور یا هر نوع تصدیق است. اندیشه، تفکر است.

اعتقاد: به معنی هر گونه باور قلبی است. باور قلبی، انگیزه بخش است. باور قلبی هر کس اعتقادش است. اگر به چیزی اعتقاد داشته باشیم، برای آن تلاش می‌کنیم. اعتقاد تصمیم ساز و حرکت ساز است. اعتقاد جنبش ساز است. هر قدر اعتقاد، یقین آور باشد به ایمان تبدیل می‌شود. یعنی آنچنان یقین آور است که ما را به آن امر و می‌دارد. اول اعتقاد است و به دنبال آن یقین و در نتیجه ثمره آن ایمان است که اگر به ایمان برسد انسان تا پای مرگ و شهادت می‌رود. «یا ایها الذین آمنوا آمنوا» یعنی آنهایی را که اظهار کرده‌اید، به باورهای قلبی خود تبدیل کنید و تا پای جان در راه آن ثابت قدم باشید. آمنوا: اظهار به ایمان. آمنوا: حقیقی است و یقین است. همه ما درجه‌ای از اعتقاد داریم که با کلمه ایمان آن را زینت می‌بخشیم. ایمان باید وارد قلب شود و به باور قلبی ما تبدیل شود. اول یقین است. یقین پایه و مبنا است و ثمره یقین، ایمان است. رفتار: در ایام عزاداری محرم و عاشورا ما شبیه حسینی‌ها می‌شویم. این مراسم رفتار ما را حسینی می‌کند و همین رفتار روی تفکر و اعتقاد ما تأثیر می‌گذارد و رنگ و لعاب حسینی به ما می‌دهد و امن‌شاءالله برای ما نجات بخش هم باشد. دشمن می‌گوید حالا که نمی‌توانم اعتقاد را عوض کنم رفتار را عوض می‌کنم. رفتار روی اعتقادات اثر می‌گذارد. جنگ فرهنگی، بین رفتار کفر و سکولار و رفتار توحیدی برقرار است. آن دختری که بد حجاب است و در راهپیمایی شرکت کرده و مرگ بر آمریکا می‌گوید، دشمن موفق شده رفتار او را تغییر دهد (او را بد حجاب کرده) ولی هنوز نتوانسته اعتقاد او را تغییر دهد.

- نماز، نماز جماعت، جشن‌ها، عزاداری‌ها، ختم‌ها، عروسی‌ها، کمک کردن، امر به معروف، نهی از منکر، حج رفتن، کربلا رفتن، و ... اینها رفتار است. دشمن سعی می‌کند روی رفتار ما اثر گذاشته و آن را شکل دهد. هنرپیشه‌ها را نماد می‌کنند. تربیون‌ها را در اختیار مسئله‌دارها قرار می‌دهند. جراید و روزنامه‌های ما و فیلم‌های ما را به مسیر مورد میل خود می‌برند. اگر ما در برابر حرکت‌های آنان بیدار نشویم، همه چیز ما را می‌برند. با مُدها و مدگرایی رفتار ما را عوض می‌کنند. مقام معظم رهبری فرموده‌اند (نقل به مضمون): دشمن با شدت در تلاش است که به فرهنگ عمومی ما لطمه بزند و اگر ما در دفاع از این راه کشته شویم شهید محسوب می‌شویم...

حُسن ختام این جلسه برگزاری نماز جماعت مجزا برای خواهران و برادران بود.

**صابره: گزارش جلسه ۱۷ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: سعی دشمن در کشاندن صنایع فرهنگ‌ساز به سوی اندیشه‌های کفر و سکولار / هنر دارای مبدأ ملکی (ناشی از غرایز زیستی) و مبدأ ملکوتی (ناشی از عقل ملکوتی) می‌باشد / عشق عالی‌ترین محصول عقل ملکوتی است و میان عقل و عشق هیچ تضادی وجود ندارد**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه هفدهم دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه اول اسفند ۹۲ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) در موضوعات «سایر ارکان نظام فرهنگی» و «مبانی هنر بر اساس قرآن» مطالب خود را تدریس نمودند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

**\* سعی دشمن در کشاندن صنایع فرهنگ‌ساز به سوی اندیشه‌های کفر و سکولار**

- گفتیم که نظام فرهنگی شامل مبانی فرهنگ‌ساز، عرصه‌های فرهنگ‌ساز، مراکز فرهنگ‌ساز و صنایع فرهنگ‌ساز است.  
- صنعت فرهنگی غیر از فعالیت فرهنگی است. مثلاً مد و مدسازی یک صنعت فرهنگی است. دشمن سعی می‌کند صنایع فرهنگ‌ساز به سمت اندیشه و فرهنگ کفر و سکولار بکشاند. فرهنگ‌سراها، سینماها، روزنامه‌ها، سریال‌های سوپرمارکتی، موبایل، بلوتوث، اینترنت، فیس بوک، موسیقی، تفریحات کنار دریا، ماهواره‌ها، بوتیک‌ها، مراکز گردشگری و تفریحگاه‌ها، پارک‌ها، تئاترها، کاروان‌های عروسی، مراکز آموزش موسیقی، تالارها، جشنواره‌ها و... از جمله صنایع فرهنگی هستند که توسط دشمن به سمت اندیشه‌های کفر و سکولار کشیده می‌شوند. در مقابل، بخش‌هایی از صنایع فرهنگی اسلامی هنوز در تصرف دشمن نیفتاده است. مانند: حسینیه‌ها، مساجد، سینه‌زنی‌ها، عزاداری‌ها، نمازهای جمعه، مسابقات قرآن، اعتکاف رجب، ایام ماه مبارک رمضان، شب‌های احیا و قدر، اعیاد شعبانیه، راهپیمایی ۲۲ بهمن و... .

- ما در جبهه نظامی فهمیدیم که از تحرکات دشمن باید آمار داشته باشیم، اما در جبهه فرهنگی چنین آماری نداریم. متأسفانه آماری از ارتش فرهنگی دشمن و خودی نداریم. آمار روشن و دقیقی از صنایع فرهنگ‌ساز نداریم. هر کس به کاری مشغول است. این را به صورت یک نظام نمی‌بینیم. نظام، دارای ارتش‌های مختلف، سلاح‌های مختلف، برنامه‌های مختلف، نقشه‌های مختلف است که متأسفانه این‌ها را نمی‌بینیم. ما در جنگ فرهنگی به یک «شهیدحسن باقری» احتیاج داریم که به تمام آمار نیروها و تجهیزات دشمن دست می‌یافت و بر اساس آن جنگ را هدایت می‌کرد. در جبهه فرهنگی هم باید این‌گونه ببینیم.

- طبق قول معصوم (ع) وقتی تو در خوابی، دشمن در خواب نیست. دشمن برای هر عرصه فرهنگی و هر صنعت فرهنگی برنامه دارد. به عنوان نمونه، فوتبال از یک بازی سرگرم‌کننده برای جوانان تبدیل به یک صنعت پول‌ساز شده و بالاترین آمار پیامک در تلویزیون در نیمه شب بوده و مربوط به فوتبال است. برخی‌ها تلاش دارند بانوان را هم به ورزشگاه‌ها بکشاند در حالیکه برخی فحاشی‌های رکیک در بین هواداران فوتبال رخ می‌دهد... .

**\* عدم شناخت مکان‌های نفوذپذیر جامعه فرهنگی، موجب شکست ما در جبهه‌های هنری**

- وقتی نظام فرهنگی را نشناسیم، وقتی آمار نداشته باشیم و ندانیم مکان‌های نفوذپذیر جامعه فرهنگی ما کجاست، آنگاه دشمن به راحتی ما را در جبهه سینما، تئاتر، روزنامه، مجله، بلوتوث، ماهواره، فرهنگسراها و... شکست می‌دهد. دشمن حتی مدارس غیر انتفاعی تأسیس کرده و دانش‌آموزان را سکولار و طرفدار فتنه بار می‌آورد، در حالیکه افتخار مدارس اسلامی و معارف ما، قبولی دانش‌آموزان در کنکور است و در این سطح متوقف شده‌اند. افتخار آنان بر اساس قرآن، عاقل بار آوردن دانش‌آموزان نیست. نورانی بار آوردن دانش‌آموزان نیست. لذا ما در ارتش مدارس هم شکست خوردیم. جریان کلی نظام آموزش و پرورش اسلامی نیست. در طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش که هنوز اجرا نشده، هم از حیات طیبیه و هم از حیات سکولار سخن گفته شده است. هر کسی با عقاید خودش می‌تواند این سند را اجرا کند. حتی اردوغان هم در ترکیه که کشوری لائیک با صورت ظاهری اسلامی است، می‌تواند اجرا کند. در سند تحول، صورت‌سازی اسلامی وجود دارد، اما یک کافر یا سکولار هم می‌تواند آن را اجرا کند.

- متأسفانه آماری نداریم که ببینیم صنایع فرهنگ‌ساز ما کدامند؟ مراکز فرهنگ‌ساز ما کدامند؟ عرصه‌های فرهنگ‌ساز ما کدامند؟ اما دشمن این آمار را می‌داند. لذا با دقت، صنایع و مراکز و عرصه‌های ما را فرهنگ‌سازی می‌کند. ولی ما آماری نداریم و راحتیم. نمی‌دانیم دشمن به کجا حمله کرده که بخواهیم آنجا را درمان کنیم. دنبال این نیستیم که بدانیم در عرصه آموزش و پرورش، در برابر فرهنگ غربی شکست خورده‌ایم یا پیروز شده‌ایم یا در حال جنگیم. دنبال این نیستیم که بدانیم در عرصه دانشگاه، در عرصه سینما، در عرصه تئاتر، در عرصه مطبوعات و مجلات، در عرصه موسیقی و... در برابر فرهنگ غربی پیروز شده‌ایم یا شکست خورده‌ایم. مقام معظم رهبری در همین ماه (بهمن ۹۲) دستور دادند و امر

کردند که نظام دشمن را با دقت باید بررسی کرد و علمی تحلیل کرد و با تمام نیرو و قوا با آن مبارزه کنید و بدانید که خدا یارتان است. (نقل به مضمون).

#### \* عرصه هنر

- هنر با تمامی موضوعات سازنده فرهنگ در ارتباط است. هنر هم با مبانی فرهنگ‌ساز (که شامل تفکر، اعتقادات و رفتار است) در ارتباط است و هم با عرصه‌های فرهنگ‌ساز، مراکز فرهنگ‌ساز و با صنایع فرهنگ‌ساز در ارتباط است. لذا اگر عرصه هنر در دست ما بیاید ما پیروزیم، ولی دریغاً که هنر در چنگ دشمن است. هنر لشکرها و شاخه‌ها و رشته‌های مختلف دارد. با لشکر خودمان باید جلو رفت و با لشکر هنری دشمن جنگید.

\* تفسیر مبانی هنر از روی قرآن کریم و روایات/ هنر دارای مبدأ مُلکی(ناشی از غرایز زیستی) و مبدأ ملکوتی(ناشی از عقل ملکوتی) می‌باشد این مبحث از دستاوردهای حکمی قرآنی و روایی و محصول موسسه صابره(س) است.

- هنر از وجود انسان بر می‌خیزد و از درون انسان جوانه می‌زند. مبانی هنر دو مبدأ دارد و هنر از هر کدام از این دو شروع شود، رنگ و بوی مخصوص به آن را در وجود انسان می‌گیرد: ۱- مبدأ مُلکی ۲- مبدأ ملکوتی.

۱- مبدأ اول هنر که از کودکی در وجود انسان است، غرایز و نیازهای زیستی است. انگیزه‌های جسمانی و مُلکی است. مثل ازدواج و علاقه به همسر یا جنس مخالف. (در فیلم‌ها و عکس و نقاشی و داستان و آواز و... متأسفانه اسم این علاقه و میل شدید به جنس مخالف را عشق گذاشته‌اند که این توهین به مقام عشق است. متأسفانه اسم رسیدن به این میل و ارضای این میل را وصال تعریف می‌کنند و معنی وصال را ضایع می‌کنند.) یا مثلاً میل به فرزند، میل به تشنگی و آب، میل به ثروت، میل به غذا و... که همه از غرایز زیستی هستند. غرایز زیستی از ودایع الهی هستند و در صورتی که کنترل نشوند با امیال نفسانی آمیخته شده و به جنایت، حسادت، بخل، مقام پرستی و... تبدیل می‌شوند و استعدادهای انسانی را نابود می‌کنند. لذا عشق تبدیل به سکس می‌شود. ثروت تبدیل می‌شود به تکبر، «الدنیا مزرعه الآخره» تبدیل می‌شود به دنیا پرستی، نداری و فقر تبدیل می‌شود به حسادت.

۲- مبدأ دوم هنر معرفت‌هایی است که به عقل نجات بخش، عقل ملکوتی، عقل نورانی (که محل آن در قلب است)، می‌رسد. این معارف شامل یقینیات، حقایق، ارزش‌ها، اسماء حسناى الهی، آیات جمال و جلال، کمالات بوده که وقتی به عقل می‌رسند، عقل را منور کرده و عقل به آنها به شدت جذب پیدا می‌کند. این جذبها روی قلب اثر می‌گذارد و در قلب، شوق و رغبت ایجاد می‌شود. این شوق و رغبت موجب پیدایش رفتارهای سازنده عاطفی در انسان می‌شود. این رفتارهای عاطفی هنر را به وجود می‌آورد. ریشه هنر در اینجای زیبایی‌های ملکوت و یقینیات، حقایق، ارزش‌ها، اسماء حسناى الهی، آیات جمال و جلال است.

\*ریشه هنر غرایز زیستی باشد، خروجی رفتار آن «احساس» است و ریشه هنر معارف و یقینیات باشد، خروجی رفتار آن «عاطفه» است

- محل غرایز زیستی هم در قلب می‌باشد. این غرایز روی قلب فشار می‌آورد و موجب پیدایش شوق و رغبت در قلب می‌شود و قلب رفتاری را صادر می‌کند که نام آن «احساس» است. لذا هنرمند مُلکی احساساتش زیاد است. اما هنرمند ملکوتی که با حقایق و یقینیات سر و کار دارد با هر چیزی عصبانی یا گمراه نمی‌شود. اگر ریشه هنر غرایز زیستی باشد، خروجی آن «احساس» است و اگر ریشه هنر معارف و حقایق و یقینیات باشد، خروجی آن «عاطفه» است.

- خلاصه اینکه مبدأ هنر: ۱- غرایز طبیعی و زیستی است که قلب را به شوق و رغبت وا می‌دارد و این شوق و رغبت در رفتار انسان منعکس می‌شود و به صورت احساسات نمایان می‌شود. مثلاً هنرمند درباره جنس مخالف شعر می‌گوید یا عکس او را نقاشی می‌کند و... یا یک سیب را به زیبایی نقاشی می‌کند. مناظر دریا و گل و آسمان و... را زیبا نقاشی می‌کند. ۲- هنر ملکوتی یا آسمانی است که ریشه آن معارف و حقایق و یقینیات است. ممکن است حقیقت یک زندگی را به دست بیاورد یا روی حقیقت خلقت کار کرده باشد، ممکن است قوانین حاکم بر هستی را کشف کرده باشد، ممکن است آیات جمال الهی را در عالم مشاهده کرده باشد، ممکن است زیبایی‌های یک ایتار، زیبایی‌های یک شهادت، «ما رأیت إلّا جمیلاً» را دیده باشد، ممکن است زشتی‌های یک باطل یا گناه را دیده باشد. و...

- هنر مُلکی نیاز به مدیریت و کنترل دارد، چون ابزار است و هرکس می‌تواند آن را مدیریت کند، هم انسان صالح و هم انسان گمراه. لذا دچار خطر انحراف می‌شود. اما هنر ملکوتی، هدایتگر است. مدیریت می‌کند و کسی نمی‌تواند آن را به اختیار در آورد.

این که "هنر برای هنر است" یا "هنر را بخشنامه ای نمی‌توان صادر کرد و باید خودش منتقل شود"، هنر مُلکی است که هر کس می‌تواند آن را گمراه کند. "هنر برای هنر" ابزار می‌شود. یک روز «مالک اشتر» و یک روز «اسی دربه در» می‌شود. اما با هنر ملکوتی این کار را نمی‌توان کرد. هنر مُلکی مثل دنیاست. هم می‌تواند ابزار آخرت باشد و هم می‌تواند ابزاری برای منحرف کردن مردم باشد.

- مبدأ هنر، نام هنر و مسیر آن را معین می کند. لذا باید دید آیا نظارت نکردن بر هنر و رها کردن آن صحیح است؟ آیا طرح بحث «هنر دستوری» و «هنر آزاد» پایه و اساس درستی دارد؟ جواب این است که ما نه هنر آزاد داریم و نه هنر طبق دستور. همانطور که گفته شد، مبدأ هنر از درون انسان سرچشمه می گیرد. هنر مُلکی که از غرایز زیستی است و متصل به قوانین حاکم بر هستی نبوده و داخل در هستی حرکت می کند. مبتلا به مشکلاتی می شود که سایر موضوعات دنیایی ما دارد. هر چیز که در این دنیا هست، دو گونه می توان از آن استفاده کرد (استفاده خوب و استفاده بد). لذا اگر هنر مُلکی باشد، خطرش این است که دشمن در کمین است و می آید میل به همسرخواهی را که از ودایع الهی است، برای ما تبدیل به سکس می کند. عشق را به سکس تبدیل می کند. امور مُلکی مدیریت و هدایت نیاز دارد. بازی فوتبال هم داور نیاز دارد. یک ساختمان مدیر نیاز دارد، جنگلها نیاز به حفاظت دارند تا آن را به آتش نشکند یا درختان را به چوب تبدیل نکنند. لذا ذات امور مُلکی می طلبد تا مدیریت شود. اگر هنر مُلکی بدون مدیریت باشد، افسار آن به دست دشمن خواهد افتاد و ما در همه رشته های هنری شکست خواهیم خورد. اما اگر این هنر مُلکی را کنترل کنیم، حداقل از خطراتش پیشگیری می شود. در نتیجه عنوان کردن «هنر دستوری و بخشنامه ای» نوعی متلک پرانی به «هنر متعهد» است. هنر متعهد یا انقلابی همان هنر عقل ملکوتی و هنر متصل به حقایق و یقینیات و هنر نورانی می باشد. لذا هنر و هنرمند را گمراه نمی کند چون از ملکوت هدایت می شود. در هنر متصل به حقایق، دیگر عشق تبدیل به سکس نمی شود، حتی اگر به وصال برسد.

### \* آیات مربوط به عشق در قرآن کریم

۱- فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا (نمل: ۸)

وقتی حضرت موسی (ع) به آن مقام از عرفان رسید که می توانست یک چوب را تبدیل به اژدها کند، به او ندا رسید که مبارک باد تمام برکات بر کسی که در این آتش می سوزد. البته «وَمَنْ حَوْلَهَا» هم دارد. چون ما که در آتش عشق نمی سوزیم. حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در آتش عشق می سوزد. تمام برکت در این عشق حسینی است و هر کسیکه در کنار این آتش عشق، گرما می گیرد. اینجا عشق، هیچ وقت معنی سکس نمی دهد.

۲- خداوند در قرآن می فرماید: عاشق می خواهی شوی، عاشق اینها شو: «وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَطْعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبِعْ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (کهف: ۲۸) آنقدر عاشق شو که دو چشمت را از آنها نگیری. یک گوشه چشمی هم به جای دیگری نگاه نکنی. فقط چشمت را به اینها بدوز، اگر یک لحظه روی خود را آن طرف کنی: «تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»، به زینت حیات مُلکی مبتلا می شوی. اگر عشقت تبدیل به حیات مُلکی شود، آنگاه «وَلَا تَطْعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا» فوراً قلبت از ذکر ما غافل می شود. «وَأَتَّبِعْ هَوَاهُ» مطیع هوای نفست می شوی. «وَلَا تَطْعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا» پس مراقب باش که در این عشق ثابت قدم و کامل قدم باشی.

- «إلهی هب لی کمال الانقطاع إلیک» (مناجات شعبانیه) همه چیز جز معشوق را فراموش کنم.

### \* عشق عالی ترین محصول عقل ملکوتی است و میان عقل و عشق هیچ تضادی وجود ندارد

- عشق از مقولات هنر است. سرچشمه عشق حقیقی که به حقایق متصل باشد و از آیه ۸ سوره نمل و آیه ۲۸ سوره کهف نشأت گرفته باشد، عقل است. عشق مراتب کمال و اوج جذبه های عقلانی و ملکوتی است و میان عقل و عشق هیچ تضادی نیست، بلکه عشق عالی ترین محصول عقل است. آن وقت یک عده به این عالی ترین محصول عقل می گویند: دعوا بین عشق و عقل است! یا «پای استدلالیان چوبین بُود» چوبین سخت بی تمکین بُود» و از اشعار مولانا استفاده می کنند. در حالیکه استدلالیان مطیع ذهنشان بودند نه مطیع عقل ملکوتیشان. استدلال برای ذهن است. جای ذهن در مغز است ولی جای عقل ملکوتی در قلب است. با استدلال های ذهنی نمی توان راه افتاد و مسیر ملکوت را طی کرد. مولانا گفته که راه کمال را باید با عشق طی کرد و نه با استدلال های ذهنی. مرحوم عراقی: «ای که عاشق نهی حرامت باد» زندگانی که می دهی بر باد» یعنی اگر عاشق اهل البیت (ع) نشوی، اگر عاشق حقایق نشوی، اگر عاشق آیات جمال و جلال الهی نشوی، اگر عاشق عظمت های الهی و اسرار ملکوت نشوی، بیچاره خواهی شد. اینجا دعوی عشق و عقل حل می شود و مشخص می شود که عرفا (حافظ، مولانا، عراقی، جلال الدین رومی و...) با عقل دشمنی ندارند و منظورشان از عقل، همان قوه دماغ و ذهن است که نزد عرفا سخیف و ناتوان و بیچاره است. چون ذهن کور است و با حواس محدود ۵ گانه راه می رود. در حالیکه زیباترین ثمرات و بالاترین محصولات عقل ملکوتی، عشق است که با نور آن می توان راه کمال را پیمود. با عقل ملکوتی هر چه بیشتر فکر کنید عاشق تر می شوید. اما عشق و محبت در هنر مُلکی و ناسوتی نجات بخش نیست... .



**صابره:** گزارش جلسه ۱۸ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: در این عالم، فقط "حضرت امام زمان (عج)" است که ناله ناله‌کننده را اجابت کرده و سوء را از او دور می‌کند / سوء؛ به معنی بیماری، گرفتاری، مرگ، عزا و... نیست بلکه به معنی زشتی‌ها، باطل، تاریکی، بی‌معرفتی، پلیدی و ظلم و انحراف است / هنر، نمونه عینی و ملموس فرهنگ و فرزند بلافصل فرهنگ است / برای هنرمند بودن، اول باید معرفت پیدا کرد و نورانی شد، سپس آنچه را که با چشم دل دیده شده، در عالم ناسوت یا عالم ملک جلوه داد / دشمن، اعتقاد و اندیشه و باور ما را نسبت به هنر تغییر داده است

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه هجدهم دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۸ اسفند ۹۲ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) در موضوعات «تفسیر آیه شریفه اَمَّنْ يُجِيبُ... و ارتباط آن با حضرت ولی عصر(عج)» و «معرفی دو بخش هنر و مصادیق هنرمندان قرآنی» مطالب خود را تدریس نمودند. در ادامه رئیس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

\* در این عالم، فقط خلیفه الرحمن «حضرت امام زمان(عج)» است که ناله ناله‌کننده را اجابت کرده و سوء را از او دور می‌کند

- طبق نصّ صریح قرآن کریم، انبیا و اولیا و به ویژه رسول خدا صلوات الله علیه و اهل بیت مطهرش یعنی چهارده معصوم(ع) خلیفه الرحمن هستند: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) خلیفه الرحمن یعنی جانشین حق، یعنی آنچه را که در عالم ملکوت هست و نیست؛ به اذن الله می‌داند.

- معصوم(ع) می‌فرماید: «فَلَوْبُنَا أَوْعِيَهُ لِمَشِيئَةِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شَيْئاً» (الهدایه الکبری: ص ۳۵۹) یعنی قلب های ما جایگاه مشیت الهی است؛ پس هرگاه او بخواهد ما هم می‌خواهیم. در تفسیر این روایت می‌فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱) یعنی هرچه حقیقت، هرچه معرفت، هر چه از توانایی‌ها، هرچه از دانایی‌ها و کمالات و مقامات قرب وجود دارد، خداوند همه را به خلیفه‌اش منتقل کرده است.

با توجه به مطالب فوق ترجمه خاصی از آیه شریفه « اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ » (نمل: ۶۲) توسط استاد زاهدی ارائه گردید:

- ظاهر آیه منسوب به حق تعالی است، یعنی چه کسی است جز حق تعالی، که وقتی مضطرب او را صدا می‌زند فوراً اجابت می‌کند و سوء را از او دور می‌کند؟ حضرت صاحب الزمان (صلوات الله علیه و علی آبائه) ولیّ ما و خلیفه الرحمن است. اینجا یک افق جدیدی پیش روی ما باز می‌شود که معنی "اَمَّنْ يُجِيبُ" امام زمان (علیه السلام) است. لذا در این عالم هیچکس نیست، جز خلیفه الرحمن که ناله ناله‌کننده را اجابت کند و سوء را از او دور کند.

\* سوء؛ به معنی بیماری، گرفتاری، مرگ، عزا و... نیست بلکه به معنی زشتی‌ها، باطل، تاریکی، بی‌معرفتی، پلیدی و ظلم و انحراف است

- سوء؛ به معنی بیماری، گرفتاری، ورشکستگی، مرگ، عزا و... نیست. اینها گرفتاری‌های دنیا است و برای همه هست. امام علی(ع) فرمودند: «الدنيا دار بالبلاء محفوفة» (ارشاد القلوب، جلد ۱، ص ۹۱) و این بلاها برای تمام مردم دنیا است. مسلمان و مسیحی و کافر و... دلیل یک سوم مرگ های اروپا و آمریکا، خودکشی است، یعنی آنها سختی و فشار بیشتری را تحمل می‌کنند.

- سوء، زشتی‌ها است. «يَكْشِفُ السُّوءَ» یعنی باطل و تاریکی را از او می‌گیرد، بن بست‌ها را از او برطرف می‌کند، بی‌معرفتی و نانجیبی و بی‌شرافتی و رجس و پلیدی و ظلم و انحراف را از او می‌گیرد و برطرف می‌کند.

- بلاهای دنیا سوء نیست، امتحانات است. سوء یعنی ما در این بلاها و امتحانات کافر شویم و ابتلائات حق را نبینیم و گرفتاری‌ها را جاذبه حق تعالی نبینیم.

- «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح: ۶) یعنی هیچ آسانی نیست جز اینکه انسان از سختی عبور کند. عسر به معنای امتحان است و یسر یعنی عبور از تنگنای امتحان و فلاح و رستگاری بعد از امتحان، به شرطی که انسان امتحان را تحمل کند.

- مضطرب کسی است که خود را در چنبره نفس و شیاطین مشاهده کند. بفهمد که شیاطین چنان دوره اش کرده اند که نمی‌تواند ببیند. امام زمان(عج) از اهل فسق پنهان است ولی از اهل ایمان پنهان نیست. امام زمان(عج) می‌فرمایند ما به احوالات شما آگاهیم، گناهاتان ما را از چشمان شما پنهان کرده است.

- کیست جز امام زمان(عج) که ما را از سوء اعمال، از سوء نیات، از سوء جهل و شقاوت و از سوء غفلت و نافرمانی و از سوء صفات رذیله نجات دهد و چشم ملکوتی ما را بینا کند؟

- مریضی و گرفتاری، سوء نیست. شاید همین مریضی، دل انسان را بشکند و به سوی خدا مقرب کند. سوء این است که ما نعمت‌های خود را با اعمال خود به نعمت تبدیل کنیم. توهین به رهبر، سوء است. محبت فتنه‌گران در دل، سوء است.

### \* معانی سه گانه مضطر

- در این آیه مضطر سه معنا دارد:

۱- مضطرّ از بلا

۲- مضطرّ به نیاز و حاجت به خلیفه الرحمن. یعنی مولای من! هیچ راهی جز عنایت تو و توسل به تو ندارم، هیچ نوری جز معرفت تو زندگی مرا نورانی نمی‌کند. هیچ چراغی جز محبت تو، قلب مرا روشن نمی‌کند.

۳- اگر مضطرّ حضرت باشی، همان لحظه حاجت برآورده است و همان اضطرار، از تو رفع حاجت می‌کند. مضطرّ کسی است که بفهمد سوء، همه جایش را گرفته است. نشانی‌اش این است که انسان آیا امام زمانش را می‌بیند؟ تسخیر آسمان‌ها و زمین را می‌بیند؟ اسرار قرآن را مسّ می‌کند (لایمسه الا المطهرون)؟ اگر انسان مضطرّ شود بی اختیار فریاد می‌زند. اگر مضطرّ نباشیم «یکشف السوء» هم اتفاق نمی‌افتد. نفس اضطرار به خلیفه الرحمن، «یکشف السوء» است. مشکل، روی معنی اضطرار است. اضطرار یعنی به او چسبیدن، مگر می‌شود کسی به او بچسبد و همزمان گناه و غفلت هم از سر بزند؟

- «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ» (کهف: ۲۸)

مضطر یعنی تمام حالات و افکار و رفتار را با عیار رضایت امام زمان (عج) بسنجی. حتی در این آیه می‌فرماید دو چشمت را از او دور نکن؛ این معنای چسبیدن است. مراقب باش که غایب نشود. چطور؟ خود حضرت می‌فرماید گناهان تو باعث غیبت می‌شود، پس اگر انسان گناه نکند او غایب نمی‌شود.

### \* هنر، نمونه عینی و ملموس فرهنگ و فرزند بلافضل فرهنگ است

- نظام فرهنگی شامل مبانی فرهنگ ساز، صنایع فرهنگ ساز، عرصه های فرهنگ ساز و مراکز فرهنگ ساز است.

- فرهنگ عبارت است از تمامی جلوه های حیات انسانی.

- مبانی فرهنگ ساز شامل: تفکر، اعتقاد و رفتارهای انسان است. تفکر، هرگونه اندیشه، آرزو، قضاوت، خیال و تصور است. اعتقادات، هرگونه باور قلبی است. رفتار، هرگونه جلوه های خارجی و درونی در زندگی انسان است.

- یک نمونه عینی و ملموس فرهنگ، هنر است که هر چهار بخش فرهنگ یعنی مبانی، مراکز، عرصه ها و صنایع در آن وجود دارد.

- هدف ما از بررسی نظامات این است که می‌خواهیم دستاوردها، راهکارها و راهبردها را کشف کنیم و بدانیم که می‌خواهد چه اتفاقی بیفتد، نه اینکه به صورت تفصیلی آنها را بررسی کنیم.

- هنر کاملاً در فرهنگ نفوذ کرده است و همه جایش به فرهنگ وصل است. حال اگر فرهنگ کفر باشد، هنر هم که فرزند بلافضل فرهنگ است، کافر است و اگر فرهنگ قرآنی باشد هنر هم قرآنی می‌شود.

- تعریف غرب از هنر: هنر آینه رفتارها و کردارها و حوادث و دیدنی‌ها و شنیدنی‌های حیات است، هر چه که باشد.

### \* از دیدگاه قرآن، هنر عبارت است از رؤیت حقایق و آیات جمال و جلال و درک یقینات و ارزش‌ها و اسمای حسنی الهی

- هنر دو بخش دارد:

۱- بخش اول آن جلوه‌گری است. یعنی استعدادی است از ودایع الهی در وجود انسان، که می‌تواند دیده‌ها و شنیده‌هایش را جلوه دهد و به نحو زیبایی بیان کند. با شعر و نقاشی و مجسمه‌سازی و فیلم، خطاطی و... این تبیین و بیان و جلوه‌گری، مانند استعداد پزشکی، ورزشی، کوهنوردی، شنا و... یک استعداد است.

۲- از دیدگاه قرآن، هنر عبارت است از رؤیت حقایق و آیات جمال و جلال و درک یقینات و ارزش‌ها و اسمای حسنی الهی، این بخش مهم و اصلی هنر است. باید کور نباشیم و چشم دلمان را باز کنیم و ببینیم: «مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ» (اسراء: ۷۲)، استفهام عتابی: آیا کورید و نمی‌بینید...: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ» (حج: ۶۵).

- اگر کسی این حقایق را ببیند و استعداد جلوه‌گری داشته باشد می‌تواند این حقایق را تبیین کند. این، هنر است و صاحب این هنر هنرمند است.

- اینکه می‌گویند هنر یک آینه صاف است که هر چه ببیند به تصویر می‌کشد، تعریف درستی نیست. اینجا آینه صاف یعنی بی‌تعهد. بستگی دارد این آینه دست چه کسی باشد و چه چیزی را نشان دهد. یعنی باید ببینیم هنرمند که باشد تا هنر چه باشد. تعریف هنر با مشخصات هر فرد عوض می‌شود.

- اینکه بگوییم هنر آزاد است و دل هنرمند را باید رها کرد و هنر را نباید بخشنامه ای کرد، حرف بی ربطی است. این بدعتی در برابر قرآن است. قرآن می‌فرماید که هنر حقیقی این است که چشم قلب انسان، رؤیت کند. گوش قلب، حقایق را بشنود. و این استعداد را داشته باشد که جلوه‌گری کند و به مردم نشان دهد. معرفت پیدا کند و نور را ببیند و آنگاه آن را به دیگران نشان دهد. با این نشانه‌ها می‌فهمیم که مولوی هنرمند است، حافظ هنرمند است، زیرا چیزهایی که دیده است را به شعر در آورده است، وقتی که می‌گوید: «عشقت رسد به فریاد گر خود بسان حافظ» - قرآن زبر بخوانی با چهارده روایت». (منظور از ۱۴ روایت، همان ۱۴ معصوم می‌باشد).

\* برای هنرمند بودن، اول باید معرفت پیدا کرد و نورانی شد، سپس آنچه را که با چشم دل دیده شده، در عالم ناسوت یا عالم ملک جلوه داد - آنچه که اکنون هنر می‌نامند اصلاً هنر نیست. این‌ها استعداد جلوه‌گری است. برای هنرمند بودن، انسان اول باید عارف شود، معرفت پیدا کند و نورانی شود، سپس آنچه را که دیده است در عالم ناسوت یا عالم ملک جلوه‌گری کند. آن وقت مصداق آیه «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (انعام: ۱۲۲) می‌شود. «یَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» همان استعداد جلوه‌گری است.

- شیخ بهایی یکی از آن هنرمندان قرآنی است. ایشان آیه آیه سوره انسان (دهر) را که با چشم قلبش دیده است، با استعداد جلوه‌گری عرضه می‌کند:

ساقیا بده جامی زان شراب روحانی\* تا دمی برآسیم زین حجاب ظلمانی  
بهر امتحان ای دوست گر طلب کنی جان را\* آنچنان برافشانم کز طلب خجل مانی  
بی‌وفا نگار من، می‌کند به کار من\* خنده‌های زیر لب، عشوه‌های پنهانی  
ما ز دوست غیر از دوست مطلبی نمی‌خواهیم\* حور و جنت ای زاهد! بر تو باد ارزانی  
ما سیه گلیمان را جز بلا نمی‌شاید\* بر دل بهائی نه هر بلا که بتوانی...

یک پیرمرد مجتهد عارف و عالم، چه دیده است که این اشعار را می‌سراید. این از نگاه قرآن، هنر است.

\* دشمن، اعتقاد و اندیشه و باور ما را نسبت به هنر تغییر داده است

- دشمن با ما دو کار کرده است، هم اعتقاد و اندیشه و باور ما را نسبت به هنر تغییر داده است، بگونه‌ای که فکر می‌کنیم هنر یعنی این هنرپیشه‌ها و این موسیقی و آوازه‌ها و... و هم رفتار ما نسبت به هنر تغییر داده است که فکر می‌کنیم مسجد با هنر منافات دارد.

- زیباترین کتاب هنر، قرآن است که تمام اسرار را به زیباترین جلوه، عرضه کرده است. هنرمند واقعی حضرت اباعبدالله حسین(ع) است که آنچه را در ملکوت دیده در روز عاشورا عرضه می‌کند و جهان را شیفته خود کرده است. هنر آن چیزی است که حضرت زینب سلام الله علیها و حضرت زهرا سلام الله علیها عرضه کرده است. «ما رأیت إلاً جمیلاً» یک جمله هنری است. حضرت زینب(س) جمال و زیبایی‌ها را در عرصه عاشورا شرح داده اند و آنچه را که به قلبش منتقل شده است، جلوه می‌دهد.

- حضرت امام(ره) یک هنرمند است. هم با هنر انقلابش و هم با زبان شعرش جلوه‌گری کرده است...

### 📖 گزارش جلسه نوزدهم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۲/۱۲/۱۵

**صابره: گزارش جلسه ۱۹ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: بی‌حجابی یک فرهنگ است که محصول نظام سرمایه داری است / هنر اگر ریشه در عقل ملکوتی داشته باشد هنر ارزشی می‌شود ولی اگر ریشه در غرایز زیستی داشته باشد، هنر ملکی(دنیاوی) است / «استعداد جلوه‌گری» و «بیان هنر» با «اصل هنر» دائماً اشتباه گرفته می‌شود / طنز یعنی عرضه محتوای انسانی و ملکوتی در غالب هنر ملکی**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه نوزدهم دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۱۵ اسفند ۹۲ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره(س) در موضوع «ادامه مبحث نظام هنری» مطالب خود را تدریس نمودند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

\* دشمن چگونه به واسطه هنر، وارد می‌شود؟

- سیر و موضوع کلی بحث نظام‌شناسی است. در سلسله مباحث نظام‌شناسی به بررسی نظام فرهنگی دشمن و مقایسه اش با نظام فرهنگی اسلام رسیدیم. نظام هنری نیز از زیرمجموعه‌های نظام فرهنگی است که مشترکات بسیاری با نظام فرهنگی دارد.

- نظام هنری مانند نظام فرهنگی شامل مبانی فرهنگ ساز، مراکز فرهنگ ساز، عرصه‌های فرهنگ ساز و صنایع فرهنگ ساز است.

- می خواهیم بگوییم دشمن چگونه به واسطه هنر، وارد می شود و عواملش را به کار می گیرد. باید بدانیم تفکر و اعتقادات و رفتار هنری در غرب چگونه است و در اسلام چیست؟
- مشکل اساسی کشور ما این است که هنر التقاطی است. هنر غربی را لباس اسلام می پوشانند و اجازه نمی دهند اعتراض شود. پس باید تفاوت هنر غربی و اسلامی را بشناسیم.
- «کِرَامٌ بَرَزَةٌ» (عبس: ۱۶). بَرَزَه از بالاترین مفاهیم عرفانی قرآن است. جمع مکسر «ابرار» است. ریشه آن «بَرَّ» است. برّ، بالاترین مقام است. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ» (آل عمران: ۹۲) شما به مقام برّ نمی رسید... اما این مفهوم بالا در سریالی توسط مهران مدیری به سُخره گرفته شد. اگر تمام ریشه های فرهنگی و تاریخی و سنتی ما در مجموعه شبهای برره توسط مهران مدیری به بازی گرفته نمی شد، آن وقت می شد بگوییم انتخاب این نام اتفاقی است.
- فرهنگ ما در حال عوض شدن است. آمریکا از ما ناامید نیست. به دروغ می گوید که همه گزینه ها روی میز است تا میدان بازی را عوض کند و فرهنگ ما را تغییر دهد. بمب اتم آمریکا (گزینه روی میز) تهاجم فرهنگی است.
- «قُلُوبُهُمْ مَعَكَ وَ سَيُوفِيهِمْ عَلَيْكَ»، یعنی در دل‌هایشان به ولایت فقیه ارادت دارند، اما در عمل به فرد دیگری رأی می دهند. عاشورا عزاداری می کنند و روضه دارند اما در برخی هیئت‌ها برای انقلاب اسلامی و ولایت فقیه دعا نمی کنند تا روضه‌شان اصطلاحاً سیاسی نشود!
- \* بی حجابی یک فرهنگ است که محصول نظام سرمایه داری است
- مبانی اقتصاد و بانکداری ما را آمریکایی کرده‌اند. بی حجابی یک فرهنگ است که محصول نظام سرمایه داری است. بی حجابی مانند یک نهال از نظام سرمایه‌داری روییده است.
- اگر نظام هنری را نشناسیم؛ نه هنر اسلامی را شناخته‌ایم و نه می‌فهمیم که نظام هنری غرب با ما چه می کند.
- هنر از نظر مبانی ترکیبی از تفکر، اعتقاد و رفتار است.
- هنر یا از غرایز زیستی نشأت می گیرد و به صورت احساس متجلی می شود و یا از عقل ملکوتی نشأت می گیرد و به صورت عاطفه متجلی می شود و یا از هر دو نشأت می گیرد.
- \* هنر اگر ریشه در عقل ملکوتی داشته باشد هنر ارزشی می شود ولی اگر ریشه در غرایز زیستی داشته باشد، هنر مُلکی (دنیاوی) است
- هنر اگر از عقل ملکوتی سرچشمه بگیرد به این معناست که وارد قلب شده و شعاعی از حقایق یا جلوه‌ای از زیبایی‌ها و آیات جمال یا تجلی آیات جلال و یا الهامی از اسمای حسنای الهی و ارزش‌ها و یا کمالاتی از جمله یقینیات به او رسیده است. در نتیجه عقل ملکوتی اظهار جذبیه شدید می کند، این جذبیه شدید در قلب منعکس می شود و قلب احساس شوق و رغبت می کند و شوق رغبتش را به صورت عاطفه در رفتار متجلی می کند.
- عاطفه در رفتار، به ظاهر شبیه احساس است. با این تفاوت که پر از معرفت است و سازنده است. مانند اشک با معرفتی که در عزای امام حسین (علیه السلام) ریخته شود و شوق با معرفتی که در نماز پیدا شود. عاطفه مانند احساس است ولی کمال بخش و حیات بخش و انسان‌ساز است.
- اگر هنر از غرایز زیستی نشأت بگیرد به معنای آن است که خلجان‌ها و امواجی از امیال و هوس‌ها و نیازهای زیستی و خواسته‌های دنیایی و شهوات و یا محرومیت‌ها یا خشم‌ها و مهربانی‌ها، شگفتی‌ها و حیرت‌زدگی‌ها و بحران‌ها و فشارهای روانی، غم‌ها، شادی‌ها و امثال آن سرچشمه می گیرد.
- اگر هنر از غرایز سرچشمه بگیرد رفتار انسان به احساس تبدیل می شود.
- بعضی‌ها می‌گویند هنر صحیح، هنر آزاد است. اما این غلط است. هنر نه آزاد است نه بخشنامه‌ای. هنر از درون هنرمند سرچشمه می گیرد. اگر ریشه در عقل ملکوتی داشته باشد هنر ارزشی می شود ولی اگر ریشه در غرایز زیستی داشته باشد، هنر مُلکی (دنیاوی) است.
- مبانی این حرف دروغ که هنر آزاد است، بسیار خطرناک است.
- \* هنر، چشم ملکوتی یا چشم دل انسان است که حقایق و ملکوت اشیا و ارزش‌ها و اسماء حسنای الهی را رؤیت می کند
- یکی از اصلی‌ترین ارکان فرهنگ را هنر تشکیل می دهد، چون فرهنگ نیز از تفکر و اعتقاد و رفتار تشکیل شده است.
- فرهنگ عبارت است از تمامی جلوه‌های حیات انسانی و هنر نیز در تمامی جلوه‌های حیات انسانی نقش دارد.
- تعریف هنر از نگاه قرآن و روایات این است: هنر جلوه‌گاه آیات جلال و جمال، حقایق و ملکوت اشیا، ارزش‌ها و یقینیات، اسما حسنای الهی است.

- هنر، چشم ملکوتی یا چشم دل انسان است که حقایق و ملکوت اشیا و آیات جلال و جمال و ارزش‌ها و یقینیات و اسماء حسناى الهی را رویت می‌کند. هنر زبان دل انسان است که از طریق استعداد جلوه‌گری، دیده‌های دل را بیان می‌کند.

- هنر شامل دو بخش است: ۱- رؤیت از طریق دل ۲- بیان دیده‌ها از طریق استعداد جلوه‌گری (آنچه دل دیده است را به صورت شعر، تئاتر، سینما، موسیقی، آواز و ... بیان می‌کند).

- علت آنکه استعداد جلوه‌گری با هنر اشتباه می‌شود آن است که استعداد جلوه‌گری، مهمترین کمک را به تبیین رؤیت دل می‌کند.

- استعداد جلوه‌گری مخصوص حیات مُلکی و دنیایی است و ملکوتی نیست. در حال حاضر فکر می‌کنند، کسی که بتواند آنچه در دلش است را زیبا جلوه دهد، نامش هنرمند است. دلیل این نامگذاری اشتباه، این است که هنر مُلکی به دلیل حسی بودن و درک شدن با حواس پنج‌گانه، زودتر به چشم می‌خورد و راحت‌تر درک می‌شود، در نتیجه به راحتی جای هنر حقیقی را می‌گیرد.

#### \* شباهت‌های هنر مُلکی با هنر ملکوتی

- شباهت اول هنر مُلکی با هنر ملکوتی این است که به ظاهر شبیه به هم هستند ولی از لحاظ محتوا با هم متفاوتند.

- شباهت دوم این است که هنر مُلکی نیز مانند هنر ملکوتی از درون و از دل سرچشمه می‌گیرد. جایگاه غرایز زیستی (منشأ هنر مُلکی) و عقل ملکوتی (منشأ هنر ملکوتی) در قلب است.

- شباهت سوم: هنر مُلکی و ملکوتی هر دو به وسیله «استعداد جلوه‌گری» تبیین و عرضه می‌شود. خداوند این استعداد را به ما داده است تا ملکوت اشیا را با زبان مُلکی تعریف کنیم.

- شباهت چهارم: هر دو مربوط به انسان اند.

#### \* نتایج

- نتیجه اول: «استعداد جلوه‌گری» و «بیان هنر» با «اصل هنر» دائماً اشتباه گرفته می‌شود.

- نتیجه دوم: هنر بر دو نوع است، هنر مُلکی و ملکوتی.

- نتیجه سوم: هنر مُلکی با هنر ملکوتی تشابهات زیادی دارد به همین دلیل با هم اشتباه گرفته می‌شوند.

\* طنز یعنی عرضه محتوای انسانی و ملکوتی در غالب هنر مُلکی

- طنز یعنی عرضه محتوای انسانی و ملکوتی در غالب هنر مُلکی. لوده بازی طنز نیست.

- نعمت هنر ملکوتی را با گناهان و به دست خودمان به هنر مُلکی تبدیل کردیم. نعمت‌ها دارد تغییر می‌کند، تغییر نعمت آثار وحشتناکی دارد. بی‌حجابی‌ها و رباخواری‌ها و ... را به دنبال دارد. «اللَّهُمَّ إِغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ» ...

### 📖 گزارش جلسه بیستم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۲/۱۲/۲۲

**صابره: گزارش جلسه ۲۰ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: دشمن با هنر سعی می‌کند تا نظام فرهنگی کشور را متلاشی کند / هنر، رؤیت و استماع و فهم از سوژه است / هنر مُلکی اسیر احساسات است اما هنر ملکوتی نه تنها اسیر نیست بلکه موجب آزادی از اسارت غرایز و احساسات بوده و مولد عاطفه و رشد معرفت است / سرمایه هنر مُلکی، دیدنی‌ها و شنیدنی‌های عالم مُلک (دنیا) است اما سرمایه هنر ملکوتی، معارف و اسرار و انوار عالم ملکوت است**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه بیستم دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۲۲ اسفند ۹۲ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) در موضوعات «ادامه نظام هنری» و «تمایزات ۱۶ گانه هنر مُلکی و ملکوتی» مطالب خود را تدریس نمودند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

\* نظام هنری، قویترین سلاحی است که می‌تواند فرهنگ یک کشور را تغییر دهد

- همانطور که در جلسات قبل گفته شد، نظام فرهنگی شامل مبانی فرهنگ‌ساز، صنایع فرهنگ‌ساز، مراکز فرهنگ‌ساز و عرصه‌های فرهنگ‌ساز می‌باشد.

- مبانی فرهنگ‌ساز شامل تفکر و اندیشه، اعتقاد، رفتار می‌باشد.

- صنایع فرهنگ‌ساز شامل فرهنگسراها، تالارها، ماهواره‌ها، اینترنت، فیس‌بوک، بلوتوث و ... می‌باشد.

- مراکز فرهنگ‌ساز شامل وزارت ارشاد، خانه سینما، مطبوعات، صدا و سیما و ... است.

- عرصه های فرهنگ ساز شامل خیابان ها، بوتیک ها، سینما و تئاترها و... است.
- دشمن چگونه و با چه روش هایی، عرصه های فرهنگ ساز را تصرف کرده است؟
- نظام هنری، قویترین سلاحی است که می تواند فرهنگ یک کشور را تغییر دهد.
- هنر، انتخاب هنرمند است؛ لذا هنر آزاد نداریم. زیرا انتخاب هنرمند، به آن آزادی مورد ادعا، قید می زند. آنهایی که «فی قلوبهم مرض» هستند، در انتخاب خود، از عشق و محبت، سکس می سازند. در فیلم خود، جلوه ای منفی از اسلام و قوانین اسلامی ترسیم می کنند. چون ذاتشان خراب است. ویروسی که در روح آنها وجود دارد را در قالب هنر منعکس می کنند و اروپا به این افراد جایزه می دهد.

#### \* هنر، رؤیت و استماع و فهم از سوژه است

- هنر، رؤیت و استماع و فهم از سوژه است. بیان و جلوه آن، «استعداد جلوه گری» است. مثلاً فهم زیبایی یک درخت، هنر است و نقاشی کردن آن درخت، استعداد جلوه گری است. یا فهم غم یک یتیم، هنر است و سرودن شعر بر مبنای آن، استعداد جلوه گری است.
- راهبرد این تعریف از هنر چیست؟ اگر ما هنر را در نگاه و فهم ببینیم، نگاه و فهم هنرمندان رشد می کند. کسی هنرمندتر است که آن نگاه و فهم سوژه اش عمیق تر و صحیح تر و زیباتر باشد. هنرمند حقیقی، روح هنر در قلبش موج می زند، رشد می کند، به مقامات و معرفت می رسد. ولی هنرمند غیر حقیقی به دنبال گیشه است. برای او این مهم است که بنویسد تا سایرین خوششان بیاید و بخرند. تمام وجودش را ریا و سلیقه بیننده فرا گرفته است. از خودش بیرون می آید و به تماشای فکر می کند.

#### \* تمایزهای ۱۶ گانه هنر مُلکی و ملکوتی

- تمایز اول: هنر مُلکی از غرایز زیستی سرچشمه می گیرد ولی هنر ملکوتی از عقل ملکوتی سرچشمه می گیرد.
- تمایز دوم: هنر مُلکی با حواس پنجگانه و ذهن و قلب درک می شود اما هنر ملکوتی اگر چه با حواس پنجگانه و ذهن و قلب هم درک می شود، ولی از آن عبور می کند و با عقل ملکوتی تعامل دارد.
- تمایز سوم: هنر مُلکی اسیر احساسات است اما هنر ملکوتی نه تنها اسیر نیست بلکه موجب آزادی از اسارت غرایز و احساسات بوده و مؤد عاطفه و رشد معرفت است.
- تمایز چهارم: محدوده و نتیجه هنر مُلکی به نیازهای عالم مُلک محدود می شود، اما هنر حقیقی و ملکوتی به عالم ملکوت و معرفت منتهی می شود.
- تمایز پنجم: هنر مُلکی هدایت گر نیست بلکه در خوشبینانه ترین شرایط همچون آینه ای از حیات دنیایی (مُلک) است. اما هنر حقیقی یا ملکوتی، هدایت گر است و به نور و بصیرت منتهی می شود و آینه عالم ملکوت است.
- تمایز ششم: در هنر مُلکی استعداد جلوه گری رکن و سرمایه اصلی است. یعنی اگر نقاشی یا شعر یا آواز خوانی و... او قوی باشد و تجلیات آن زیاد باشد به منزله این است که او یک «هنرمند» قوی است. اما محتوای هنر ملکوتی و حقیقی، آن قدر قوی است که اگر جلوه گری آن نیز کم باشد، باز هم با عظمت و جذب کننده است. هنر ملکوتی را برای جلوه گری باید نازل و کوچک کرد تا قابل درک شود.
- تمایز هفتم: هنر مُلکی بدون استعداد جلوه گری هیچ است، اما هنر حقیقی یا ملکوتی بدون استعداد جلوه گری نیز قابل تکیه و پناهگاه است. (نگاه و فهم حافظ، هنر است و شعر او استعداد جلوه گری است).
- تمایز هشتم: سرمایه هنر مُلکی دیدنی ها و شنیدنی های عالم مُلک است. اما سرمایه هنر ملکوتی، معارف و اسرار و انوار عالم ملکوت است.
- تمایز نهم: هنر مُلکی در خدمت زور و زر و تزویر و شهوات و تمایلات نفسانی نیز قرار می گیرد و قابل خرید و فروش است. نمونه اصلی آن هالیوود است. اما هنر ملکوتی زر و زور و تزویر را اسیر و رسوا می کند و آزاد از هرگونه بردگی است.
- تمایز دهم: هنر مُلکی نمی تواند از دام و اسارت شهوات و هواهای نفسانی و اوهام آزاد باشد. (مثلاً نوشته های صادق هدایت، بی محتوا و پوچ است اما او استعداد جلوه گری در قلم داشته است). اما هنر ملکوتی شهوات و هواهای نفسانی را در کنترل خود گرفته و به سوی کمال پیش می رود.
- تمایز یازدهم: هنر مُلکی از جنس دنیا و عالم مُلک است و به آن باز می گردد و متعلق به دنیا است. اما هنر حقیقی و ملکوتی از جنس حقایق و آیات جمال و جلال و عالم ملکوت است و به ملکوت باز می گردد.
- تمایز دوازدهم: هنر مُلکی مانند تمامی جلوه های دنیا و عالم مُلک فناپذیر است و به آثار باستانی تبدیل می شود. اگر از آن بیشتر مراقبت شود، باز هم در معرض زوال است. اما هنر ملکوتی همواره پرنشاط، پر نور، زنده و حیات بخش است.
- تمایز سیزدهم: قیمت هنر مُلکی تنها با معیار تمایلات خریداران دنیا و ثروتمندان سنجیده می شود. اما هنر حقیقی و ملکوتی با معیار حقایق و آیات جمال و جلال و عظمت حضرت ذوالجلال ارزیابی می شود.

- تمایز چهاردهم: پیام هنر مُلکی محدود به دنیای هنرمند آن و فهم و شعور اوست. اما پیام هنر حقیقی و ملکوتی محدود به زمان و مکان نیست و به وسعت عالم ملکوت است.

- تمایز پانزدهم: کمال هنر مُلکی تنها در استعداد جلوه‌گری خلاصه می‌شود. اما کمال هنر ملکوتی از استعداد جلوه‌گری هنرمند عبور می‌کند و به آسمان کمال و معرفت و نور و بصیرت صعود می‌کند.

- تمایز شانزدهم: برخی اوقات هنر مُلکی از واقعیت موضوع و سوژه عبور می‌کند. مثلاً نقاش، یک آهو را زیباتر از واقعیت آن به تصویر می‌کشد. اما هنر ملکوتی آنقدر محتوای غنی دارد که هنرمند نمی‌تواند آن محتوا را به سطح واقعیت برساند. کلام و قلم و تصویر و... قادر نیست آن صحنه را نشان دهد. هنر ملکوتی نه تنها قادر نیست از سوژه عبور کند بلکه هر چقدر هم سعی کند، نخواهد توانست واقعیت ایثار و شهادت و محبت و عشق را متجلی نماید.

**\* نتایج هنر مُلکی**

- دشمن، هنر ملکوتی را از ما گرفته و هنر مُلکی به ما داده است. فرهنگ اسلامی و شیعی ما از طریق نظام هنری دشمن، در حال عوض شدن است. دشمن با هنر سعی می‌کند تا نظام فرهنگی کشور را متلاشی کند.

- وقتی هنر مُلکی شد: در خدمت زر و زور و تزویر قرار می‌گیرد؛ جامعه به سمت سطحی‌گرایی و دروغ‌پردازی سوق پیدا می‌کند؛ محبت و انسانیت، تبدیل به عشق زمینی و سکس می‌شود؛ زیبایی‌شناسی تبدیل به خودنمایی و مدپرستی می‌شود؛ روسری‌ها عقب می‌رود و مد، جلو می‌آید... .

## مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره سلام الله علیها

۶۶۷۲۷۱۵۶-۶۶۷۲۷۱۵۹-۰۲۱	تلفن
۶۶۷۳۶۰۸۷-۰۲۱	نمابر(فکس)
۱۰۰۰۶۶۷۲۷۱۵۶	شماره پیامک
<a href="http://www.Sabereh.ir">www.Sabereh.ir</a>	آدرس پایگاه اطلاع‌رسانی صابره
<a href="http://www.Nezam.sabereh.ir">www.Nezam.sabereh.ir</a>	آدرس سایت انجمن نظام‌شناسی قرآنی
<a href="http://www.hadinet.ir/sabereh">www.hadinet.ir/sabereh</a>	آدرس انجمن نظام‌شناسی قرآنی در شبکه محبان اهل‌البیت(ع) (هادی‌نت)
<a href="mailto:Sabereh@sabereh.ir">Sabereh@sabereh.ir</a>	آدرس پست الکترونیکی (ایمیل)
تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان حافظ، خیابان هاتف، نبش خیابان شهید محمدبیک، پلاک ۶۴	آدرس پستی